

عدالت

مجمع تخصصی افغانی طرفدار حقوق اقلیت

فرهنگ و



گامنامه حقوقی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، شماره ۴، چهارم / سال اول، ۶ مارچ و اپریل ۲۰۰۵

افغانستان و محکمه جزایی بین المللی

قطبنامه شورای امنیت سازمان ملل

تأمین عدالت برای قربانیان

ساختار اجتماعی جامعه نورستان

زن و مشکلات اجتماعی

اقلیت‌های ملی و مذهبی در افغانستان

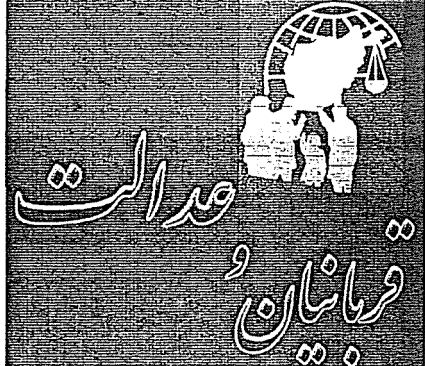
نکاتی پیرامون مذهب اسماعیلیه در افغانستان



ما بد و میل به ناحق نکیم

جامعی کس سیاه، دلخ خود ارزق نکیم

- ۲ در حاشیه انتخابات پارلمان
- ۴ افغانستان و محکمه جزایی بین المللی
- ۸ کنفرانس کشورهای جنوب شرق آسیا
- ۱۰ رسیدن به گذشته غرض تأمین آینده در افغانستان
- ۱۲ تخطی های حقوقی در ولایت بلخ
- ۱۴ قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل
- ۱۵ همانطور که ۸ مارچ را گرامی می داریم
- ۱۷ تجلیل جشن ویساک
- ۱۸ زن و مشکلات اجتماعی و سیاسی
- ۲۰ تأمین عدالت برای قربانیان
- ۲۲ اقلیت های ملی و مذهبی در افغانستان
- ۲۶ نکاتی پیرامون مذهب اسماعیلیه در افغانستان
- ۲۸ ساختار اجتماعی و روند تکامل تاریخی جامعه نورستان
- ۳۱ بوش در جنگ
- ۳۵ گزیده های از اصولنامه روم
- ۴۱ بیداری
- ۴۸ ICC Project



صاحب امتیاز:
مجمع متخصصین افغانی طرفدار
حقوق اقلیت ما (APAMR)
مدیر مسئول: ج. علی اوحدی
تحت نظرهیت تحریر:
داکتر داود نجفی
استاد سید امان الله ابدالی
نعمت الله ابراهیمی
ج. علی اوحدی
نایب و مدیر این محمد مظفری
طراح جلد: ج. علی اوحدی و
محمد مظفری

Add:

North west of Nadirya
High School apartment
No.2 opposite Emam
Abuhanifa Mosque

Mobile: 070016983-
070207458-079301434

E-mail:

apamrfg@yahoo.com

نشانی:

اپارتمان نمبر (۲) شمال غرب لیسه نادریه،
مقابل مسجد جامع حضرت نعمان ابن
ثابت امام اعظم (رح)، کارته پروان کابل -
افغانستان

موبایل: ۰۷۰۰۱۶۹۸۳-۰۷۰۲۰۷۴۵۸

۰۷۹۳۰۱۴۳۴

ایمیل: apamrfg@yahoo.com

✓ مقالات ارسالی حقوقی،
اجتماعی و فرهنگی شما را که
با پالیسی نشراتی ما موافق باشند
با محبت پذیرفته و در قسمت
ویرایش و تصحیح آن آزاد
می باشیم.
✓ مقالات ارسالی، الزاماً
معرف آراء ما نخواهد بود.

یکی از مسایل که به صورت بحث روز مطرح است موضوع انتخابات پارلمان می‌باشد همانطوری که گفته شده است باید در سپتامبر همین سال در سراسر افغانستان برگزار گردیده و نمایندگان مردم برگزیده شوند و پارلمان ملی افغانستان تشکیل گردد. تا کشور به سوی قانونیت و مشروعیت بیشتر گام نهاده و از اعتبار ملی و بین‌المللی برخوردار گردد.

بدون شک و تردید، انتخابات نمایندگان و تشکیل پارلمان ملی امریست که پاسخگوی بسیاری از معضلات و مشکلات مسایل افغانستان در ساحه‌ی اجرائات قانون و حل تشنجات سیاسی و بسا مسایل اجتماعی و حقوقی می‌باشد. کشوری که بدون پارلمان باشد بلاشک ملعبه‌ی دست فرد و یا گروهی قرار گرفته و جامعه به سوی استبداد فردی و یا جمعی سوق داده می‌شود، عدالت اجتماعی آنطوری که باید حاکمیت پیدا کرده و به اجرا درآید عملی نمی‌گردد. چنانچه نشانه‌های آن را در جریان چند سال گذشته همه احساس نمودیم و دیدیم که در بسیاری موارد اعتراضات کم رنگ برخی نهادهای سیاسی را نیز در پی‌داشت ولی اعتراضات تأثیر بسیار ناچیز را در نقش اجرایی دولت بازی کرد.

اینک با در نظر داشت اهمیت پارلمان و در رابطه به موضوع انتخابات مسایل متعددی مورد بحث است که یکی از آن حضور نیروهای مسلح در ولایات مختلف کشور می‌باشد و رسانه‌های رسمی دولتی از آن نگرانی‌هایی داشته و از طریق رسانه‌های جمعی به صورت مداوم آن را یادآور می‌شوند و چنین وانمود می‌کنند که موجودیت آنها مانع عادلانه بودن انتخابات شده و نمی‌گذارند که نمایندگان واقعی مردم انتخاب گردد.

در ابتدای امر ممکن است که این حرف موجه جلوه کرده و درست به نظر آید ولی اگر در اطراف قضیه توجه شده و به کنکاش گرفته شود دیده می‌شود که چندان مفهوم واقعی نداشته و بلکه طرح موضوع در ذات خود جنبه‌ی سیاسی دارد تا یک مشکل واقعی و مانع بازدارنده‌ی انتخابات سالم. زیرا با مطرح نمودن نگرانی‌هایی از حضور نیروهای مسلح و تحت فشار قرار دادن آنها از طریق رسانه‌های خبری جو همکاریه‌ی اجتماعی را آلوده نموده و

کار در همکار

در حاشیه انتخابات

سیاستگذاران اهداف خاص خودشان را تعقیب می‌کنند
از طرف دیگر عین همین نگرانیها در انتخابات ریاست جمهوری نیز مطرح بود و به صورت گسترده از رسانه‌های خبری داخلی و خارجی پیرامون آن تبصره‌هایی می‌شد و ما شاهد بودیم که نیروی مسلح که فرزندان همین آب و خاک‌اند و در یک مرحله‌ای از حیات سیاسی نظامی این کشور در مقابل مداخلات و تجاوزات ایستاده و مقاومت کرده‌اند، هیچگونه مشکل آفرینی نکردند و مانع و مزاحمت را در انتخابات ریاست جمهوری، بوجود نیاوردند و برعکس بنابر قول رادیوی صدای آشنا این خوانین غیر مسلح شرقی بودند که مردم را تهدید کردند و گفتند که اگر بر آقای کرزی رأی ندهند خانه‌های آنها را به آتش می‌کشند.

به هر حال ما به چنین باوریم که در انتخابات پارلمانی نیز هیچگونه‌جای نگرانی وجود نداشته و بلکه مردم تاریخ تعیین شده‌ی انتخابات را بی‌صبرانه انتظار می‌کشند و فقط نگرانی دارند که باز شگرد سیاسی دیگر بکار رفته و انتخابات به تعویق انداخته نشود. و کشور از پارلمان ملی برای مدتهای دیگر بی‌بهره نماند.

از آنجاییکه نمایندگان مردم در پارلمان آینده به مسایل بسیار جدی اجتماعی و سیاسی و حقوقی مواجه خواهد بود از هم‌اکنون ایجاب می‌کند که مردم افغانستان نمایندگان خود را از میان شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی برگزینند تا از حل مسایل حقوقی و

سیاسی و قانونی به خوبی برآمده بتوانند واز مردم کاملاً نمایندگی نمایند.
چون مسایلی را که پارلمان آینده به آن مواجه است در کنار صدها مسایل حقوقی و سیاسی داخلی، مسایل خارجی از قبیل مسئله خط دیورند، تداوم حضور نیروهای اتلاف در افغانستان و مسئله‌ی تابعیت کوچیها که آیا واقعاً شهروند افغانستان می‌باشند و یا پاکستان، از جمله مسایلی است که بدون تردید در پارلمان آینده مورد بحث خواهد بود.

بنائاً ایجاب می‌کند که افراد با تعقل و خبیر در امور سیاسی و اجتماعی در پارلمان راه یافته و از طریق مردم برگزیده شوند تا نشود که خدای نخواستہ افغانستان دوباره با مشکلات جدیدی مواجه شده و باعث دستخوش حوادث جدید و دچار کشیدگیهای بیرونی گردد. و این مسایل به صورت جدی به سرنوشت آینده‌ی افغانستان بستگی انکارناپذیر دارد.



افغانستان

و

در نتیجه‌ی همین کامپاین و فعالیت‌های اپامر بود که در ۱۰ فبروری ۲۰۰۳ کابینه‌ی انتقالی افغانستان اصولنامه‌ی روم محکمه‌ی جزایی بین‌المللی ICC را تصویب نمود و یکی از اعضای اسمبله‌ی کشورهای عضو تصویب کننده‌ی محکمه‌ی جزایی بین‌المللی گردید. این حرکت توسط جامعه‌ی جهانی به گرمی استقبال شد و

محکمه‌ی جزایی بین‌المللی

برای افغانستان یک قدم پر معنایی بود که حاکمیت قانون را پذیرفته و فرهنگ معافیت برای مجرمین را که برای مدتها تداوم یافته بود، خاتمه بخشید.

در یکم جولای ۲۰۰۳ تصمیم گرفته شد که اصولنامه‌ی روم محکمه‌ی جزایی بین‌المللی در قانون افغانستان مثل دیگر کشورهای عضو شامل گردد و این توسعه اختیارات قانونی مردم افغانستان را اطمینان می‌دهد که تاریخ غم‌انگیز اخیر کشور وارونه شده، متهمین جنایت، در آینده اگر به محاکمه‌ی ملی افغانستان محاکمه نشوند، به پای میز محکمه‌ی جزایی بین‌المللی آورده می‌شوند.

تصویب محکمه‌ی جزایی بین‌المللی و اجرای آن، پروسه‌ی اصلاحات قانونی را در افغانستان تقویت کرد که تا قوانین جزایی افغانستان، مطابق استاندارد بین‌المللی عیار شود.

استاندارد محکمه‌ی جزایی بین‌المللی ICC

کامپاین وقتی به راه انداخته شد که ضرورت تأسیس یک مکانیزم دایم محکمه جزایی بین‌المللی در افغانستان بیشتر از جاهای دیگر جهان احساس می‌شد، تراژدی تاریخی دو دهه جنگ و آشوب در کشور واقعاً ضرورت تأسیس یک محکمه بین‌المللی را ایجاب می‌کرد که برای جلوگیری از جنایات با شمول جنایت جنگی، نسل کشی جنایت ضد بشری و جنایت تجاوز را بتواند تحت پی‌گرد قانونی قرار دهد.

بنا بر همین، گروه‌های حقوق بشر و مأمورین عالی رتبه‌ی دولتی راجع به کامپاین تصویب محکمه‌ی جزایی بین‌المللی ICC پاسخ مثبت دادند.

کامپاین عمدتاً توجه شان را برای تصویب اصولنامه‌ی روم و اصلاح قوانین افغانستان متمرکز نموده و از اداره‌ی انتقالی خواهان تصویب آن گردید.



افغانستان و محکمه‌ی جزایی بین‌المللی

در آغاز سال ۲۰۰۱ میلادی اعضای مجمع متخصصین افغانستانی طرفدار حقوق اقلیت‌ها ابتکار یک کامپاین را روی دست گرفت که اهداف و مقاصد آن قرار ذیل قابل یادآوری است.

- وادار کردن اداره‌ی انتقالی افغانستان برای تصویب اصولنامه‌ی محکمه‌ی جزایی بین‌المللی ICC.

- پخش و انتشار معلومات راجع به محکمه جزایی بین‌المللی در ادارات دولت انتقالی افغانستان، گروه‌های طرفدار حقوق بشر و رسانه‌ها خبری

- توسعه و بالابردن مکانیزم عدالت و نیرومند نمودن سیستم قضایی افغانستان با ایجاد اصلاحات و عیار نمودن آن طبق

گروهی با مسئولین نهادهای مختلف، تبلیغات و تشویقات شان را در راه اجرا و تطبیق محکمه‌ی جزایی بین‌المللی ICC با قوانین داخلی افغانستان آغاز کرد و تا هم اکنون به پیش برده است.

در اکتوبر ۲۰۰۴ احمد ضیاء الدین مسئول شبکه‌ی آسیایی محکمه‌ی جزایی بین‌المللی (ANICC) و مشاور «اپامر» در رابطه با ICC و داکتر گوتام Gothom سکرتار جنرال موسسه حقوق بشر و توسعه‌ی آسیایی و خانم بنز، کاردیناتور آن موسسه وارد افغانستان شدند و مسایل مورد بحث را به ارزیابی گرفته و با اعضای اپامر سعی و تلاش شان را با ملاقات با نهادهای دولتی و گروه‌های طرفدار حقوق بشر و دیگر نهادهای حقوقی اجتماعی انجام دادند طی این ملاقاتها و صحبتها در نتیجه اپامر در ۲۱ دسامبر ۲۰۰۴ میزگردی را دایر نمود که در آن شخصیت‌های حقوقی عالی رتبه‌ی دولتی و غیر دولتی به پیمان‌های وسیع اشتراک نموده بودند. (مباحث این میزگرد در شماره‌ی دوم «قربانیان و عدالت» به نشر رسیده است.) افرادی که در آن شرکت کرده بودند، علاوه بر شخصیت‌های دولتی، سفرا، دیپلمات‌های

حقوق بشر، راپورهای آن که از انگلیسی به دری ترجمه گردیده است، در شماره‌های قربانیان و عدالت به نشر رسیده است.

همچنین میزگرد و سمینارهایی که در راستای اجرای محکمه‌ی جزایی بین‌المللی دایر شده بود مباحث مهم آن و تصویب ICC توسط دولت انتقالی افغانستان و دیگر مطالب سودمند در مجله‌ی «قربانیان و عدالت» انعکاس یافت است.

فعالیت‌های تبلیغی و ترویجی

اپامر، فعالیت‌ها و تلاش‌هایش را برای متقاعد کردن دولت و نهادهای با صلاحیت دولتی که اصولنامه‌ی محکمه‌ی جزایی بین‌المللی را در سیستم قضایی افغانستان شامل نماید متمرکز نمود، و به وزراء مربوطه و مؤسسات دولتی با شمول دفتر ریاست جمهوری وزارت خارجه، وزارت عدلیه، وزارت داخله و دیوان عالی کشور حارنوالی و کمیسیون اصلاح قضایی دیدن نموده و پیشنهاد کرد که تا آنها به حمایت اجرایی، اصولنامه‌ی ICC در افغانستان پرداخته و آنرا پشتیبانی نمایند. اعضای «اپامر» با دایر کردن مجالس فردی و

فعالیت اپامر در راستای اجرای اصولنامه‌ی محکمه‌ی جزایی بین‌المللی در افغانستان

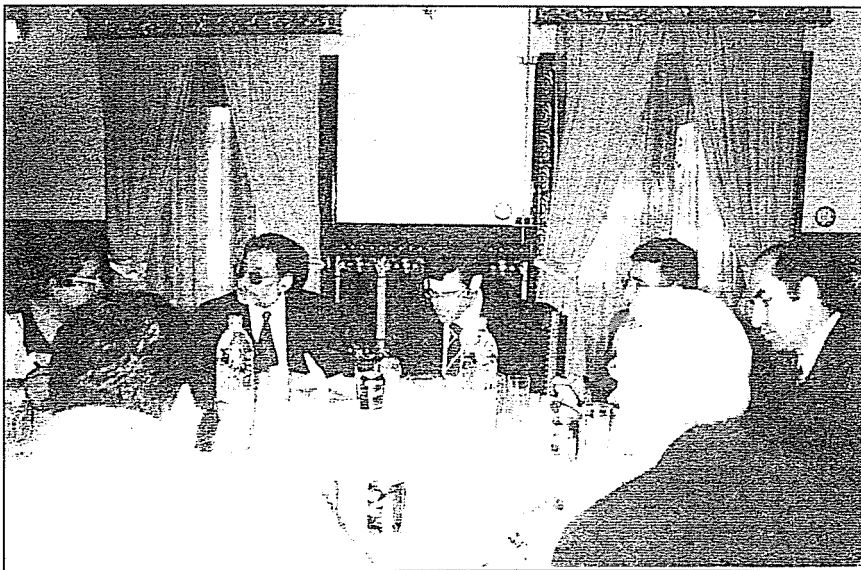
اپامر در اگست ۲۰۰۴ به حمایت محکمه‌ی جزایی بین‌المللی (ICC) و وزارت خارجه دولت شاهی هالد پروژه‌ی را در راستای تطبیق محکمه‌ی جزایی بین‌المللی ICC در افغانستان براه انداخت و مقاصد زیر را دنبال کرد:

- متقاعد کردن دولت اسلامی افغانستان که اصولنامه‌ی محکمه‌ی جزایی بین‌المللی را در سیستم قضایی و قانونی کشور شامل نماید.
- ارائه معلومات بیشتر برای نهادهای دولتی، و گروه‌های حامی حقوق بشر و اشاعه‌ی ICC از طریق رسانه‌ها خبری
- توسعه و تقویه ائتلاف و نگهداری آن برای اجرای اصولنامه‌ی محکمه‌ی جزایی بین‌المللی ICC در افغانستان.

برای دست یابی بر اهداف فوق، فعالیت‌های ذیل روی دست گرفته شده و دایر گردید:

نشرات:

در ماه اکتوبر سال ۲۰۰۴ «اپامر» اولین شماره‌ی مجله‌ی دو ماهه «قربانیان و عدالت»، را بدست نشر سپرد که عمدتاً روی کامیابین محکمه‌ی جزایی بین‌المللی ICC در سطح جهانی و مخصوصاً پیشرفت‌های آن در افغانستان متمرکز شده بود، در پیرامون آن مطالبی را از افغانستان و جهان انتشار داد که بیشتر شامل بخشی از اصولنامه‌ی روم، عفو بین‌المللی راجع به محکمه‌ی جزایی بین‌المللی ICC و نظارت



از اداره‌ی قانون و معاهدات بین‌المللی وزارت خارجه

- آقای عبدالقدیر قیومی:

از اداره‌ی قانون بین‌المللی وزارت عدلیه

- آقای عبدالجبار صاحبی:

مشاور حقوقی وزارت داخله

- آقای محمد حلیم نسیمی:

از دیوان عالی کشور

- آقای پرفسور حفیظ‌الله دانش:

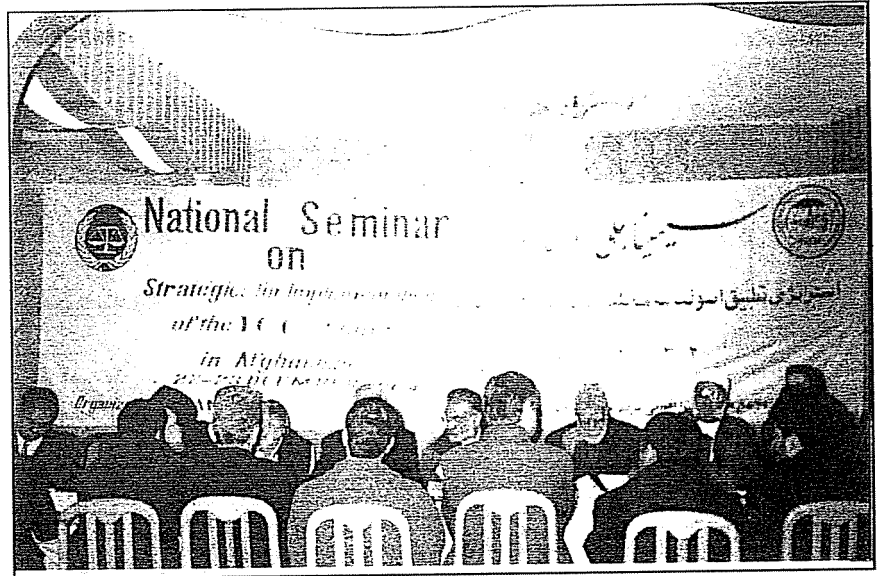
استاد دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه کابل

- آقای سید امان الله ابدالی:

سکرتر مجمع متخصصین افغانی طرفدار حقوق اقلیت‌ها از اپامر و دیگر شخصیت‌های حقوقی و قانونی که تا هنوز نامشان برای ما معلوم نگردیده است تعیین شده‌اند.

کانادا راجع به تجربه‌ی کانادا و چگونگی رسیدگی به جرایم جنگی و جنایت ضد بشری بیانی‌هی سودمندی را ارایه کرد.

بین‌المللی و کارشناسان محکمه‌ی جزایی بین‌المللی نیز اشتراک نموده بودند و مباحث جدی را در مورد تطبیق محکمه‌ی جزایی



بین‌المللی ICC با قوانین داخلی افغانستان به پیش بردند.

این میزگرد به دو روز کنفرانس ملی نیز دنبال گردیده و در اطراف تطبیق اصولنامه‌ی ICC در افغانستان بحث‌های مفید صورت گرفت و پیشنهادهایی در زمینه توسط کارشناسان حقوقی داخلی و خارجی و افراد جامعه‌ی مدنی افغانستان ارائه شد و الزامات افغانستان بحیث یکی از کشورهای عضو در رابطه اجرایی محکمه‌ی جزایی بین‌المللی ICC و ضرورت جدی افغانستان بر آن تاکید و تأیید شد که چگونه افغانستان بر جنایت که در تاریخ گذشته‌ی آن صورت گرفته است برخورد و رسیدگی نماید.

آقای مایکل کوتیر Michael Cotter کارشناس حقوقی از اداره‌ی وزارت خارجه سوئیس که از طرف اپامر به میزگرد و سمینار ملی دعوت شده بود راجع به تجربه‌ی سوئیس و همکاری نهادهای قانونی آن کشور برای اجرای محکمه‌ی جزایی بین‌المللی ICC صحبت کرد و همچنین خانم الین الکسیوک معاون سفارت

کمیسیون محکمه‌ی جزایی بین‌المللی در افغانستان

در نتیجه یک روز میزگرد و دو روز کنفرانس ملی اشتراک کنندگان اطلاعیه‌ای را صادر کرده و تاکید داشتند که کمیسویی برای تطبیق محکمه‌ی جزایی بین‌المللی در افغانستان تأسیس شود تا زمینه‌ی قانونی اجرای محکمه‌ی جزایی بین‌المللی را در قوانین داخلی افغانستان فراهم نماید.

این موضوع خوشبختانه از طرف دولت جمهوری اسلامی افغانستان پاسخ مثبت داده شده و شخصیت‌های حقوقی و اجتماعی ذیل را برای کمیسیون نامزد نموده است

- آقای ابراهیم غفوری:

از شعبه‌ی کنفرانس بین‌المللی وزارت خارجه و ...

- آقای وایس بریالی:

اتلاف نهادهای اجتماعی افغانستان برای محکمه‌ی جزایی بین‌المللی (ICC)

با راه افتادن موضوع محکمه‌ی جزایی بین‌المللی ICC و تطبیق آن در قانون جزایی افغانستان، افراد و شخصیت‌هایی ذی صلاح برای تقویه این پروسه ائتلافی را به وجود آورده‌اند که تا زمینه فعالیت‌هایی هماهنگ را به پیش برده و قوانین محکمه‌ی جزایی بین‌المللی را در قوانین افغانستان شامل نمایند.

تأسیس ائتلاف یک قدم مثبت در سطح ملی برای گسترش فعالیت‌های محکمه جزایی بین‌المللی در آینده می‌باشد.

ائتلاف افغانستان برای محکمه‌ی جزایی بین‌المللی (ACICC)، پذیرفته‌اند که در راستای تطبیق محکمه‌ی جزایی بین‌المللی ICC فعالیت نموده و آنرا به تمام معنی

کمیسیون داشته، حمایت و کمک جامعه‌ی جهانی را کاملاً ضرورت دارد.

به هر حال اجرای این موضوع اولین ابتکاری در جوامع اسلامی و تاریخ کشور ماست که موفقیت آن بستگی تام به تلاشهای جامعه‌ی جهانی و سازمانهای حقوقی دارد.



ترجمه‌ی اسناد مهم محکمه جنایی بین‌المللی ICC

یکی از مسایل ضروری که نهادهای حقوقی و قضایی کشور ما بر آن ضرورت دارد مسئله‌ی اسناد و مدارکی است که به زبان ملی ما در دسترس همگان قرار ندارد و بناءً مجمع متخصصین افغانستانی طرفدار حقوق اقلیت‌ها، می‌خواهد که این نقیصه را نیز جبران نموده و اسناد ذیل را ترجمه کرده در اختیار شعیات مربوطه قرار دهد:

- عناصر جنایات (که در محکمه‌ی جنایی بین‌المللی تحت پی‌گرد قانونی قرار می‌گیرد).
- اصول محاکمات و دیگر اسناد که توسط مراجع جهانی برای قانون محکمه جنایی بین‌المللی به نشر رسیده است.
- اصولنامه‌ی مصوبه‌ی روم
- اسناد و مدارکی که توسط عفو بین‌المللی راجع به حقوق بشر به نشر رسیده است.
- اسناد و مدارک که مربوط به محکمه‌ی جنایی بین‌المللی و حقوق بشر می‌باشد.
- همچنین اسناد و مدارک دیگری که اگر در آینده از طرف محکمه‌ی جنایی بین‌المللی، به نشر برسد و ضرورت آن در افغانستان احساس شود، ترجمه نموده و در اختیار مراجع مربوطه قرار خواهد داد.



محکمه‌ی جنایی بین‌المللی در افغانستان است.

اپامر نقش هماهنگ‌سازی و همکاری شان را راجع به پروسه‌ی تطبیق محکمه‌ی جزایی بین‌المللی ادامه داده و در عین حال به پرگرامهای آگاهی عامه و حمایت معنوی از تطبیق قانون محکمه‌ی جزایی بین‌المللی با قوانین داخلی افغانستان ادامه می‌دهد.

کشورهایی که قبلاً موفقانه پروسه‌ی تطبیق و اجرای ICC را به اجراء در آورده‌اند برای افغانستان یک پشتیبانه معنوی خوب برای تطبیق و اجرای ICC در افغانستان می‌باشد.

اپامر ابتکار مشوره و کنکاش را با دولت افغانستان و نهادهای بین‌المللی، منطقوی، ارگانه‌های ICC و متخصصین حقوقی، روی دست گرفته، انجام می‌دهد.



هماهنگی و سهولیت فعالیت کمیسیون ICC افغانستان

دولت اسلامی افغانستان به پیشنهاد میزگرد و کنفرانسهای ملی پاسخ و عکس‌العمل مثبت داده و اعضای کمیسیون را تعیین کرده است که تا قانون اساسی افغانستان و دیگر قوانین مربوطه آن را تحت مطالعه گرفته و مسوده‌ای را ارائه نماید تا زمینه‌ی تطبیق و اجرای اصولنامه‌ی محکمه‌ی جنایی بین‌المللی (ICC) را در قوانین افغانستان فراهم نماید و قوانین افغانستان به معیار استاندارد بین‌المللی و محکمه‌ی جزایی بین‌المللی ICC عیار شده و اختیارات قوانین محکمه ملی افغانستان را بالا ببرد.

این کمیسیون از نظر اقتصادی، اداری نیازمند حمایت جدی می‌باشد که تا وظایف شان را موفقانه در وقت معینه انجام داده و بر مسئولیت‌شان رسیدگی نماید. «اپامر» آمادگی لازم را برای هماهنگی فعالیت‌های

پشتیبانی و حمایت کنند. و این موضوع همکاری و همدستی را در بین ارگانه‌های حامی حقوق بشر در آینده و دیگر ساحه‌های اجتماع مربوطه افزایش داده، بالا برده است.



تحقیق جرایم

در دوران حکومت انتقالی مردم افغانستان همچنان در سایه‌ی بی‌عدالتیها و استبداد نیروهای مسلح ایالتی رنج کشیده از نقض حقوق بشر، چپاول، غارت و در بسا موارد جنایات جنگی وسیع را متحمل شده‌اند.

بناءً اپامر تحقیق و بررسی ساحوی را راجع به تعدادی از نقض بشر که در دوره‌ی جنگ‌های گروهی، در دو سال گذشته به وقوع پیوسته بود تحت تجزیه و بررسی گرفته و بعضی اسناد را در حال حاضر جمع آوری نموده است و این اسناد را بعد از بررسی، در نتیجه برای نهادهای مربوطه‌ی ملی و بین‌المللی ارائه خواهد کرد.



پلان آینده

پرگرام محکمه‌ی جزایی بین‌المللی (ICC) اپامر در مرحله‌ی حساس رسیده است. تعیین اعضاء کمیسیون محکمه جنایی بین‌المللی در افغانستان، باردیگر الزامات دولت افغانستان را نسبت به محکمه‌ی جنایی بین‌المللی ICC در آینده کشور نشان داد و همچنان جامعه‌ی مدنی و کمیسیون حقوق بشر حمایت شان را از محکمه‌ی جنایی بین‌المللی مداوم بخشیده‌اند و بسیاری از تشکیلات اجتماعی غیر دولتی و افراد مستقل پذیرفته‌اند که به اتلاف افغانستان برای محکمه‌ی جنایی بین‌المللی (ACICC) بپیوندند. این حرکت یک حرکت بسیار مهم برای آینده راجع به

کنفرانس

کشورهای جنوب

شرق آسیا

در رابطه با محکمه‌ی جزایی

بین‌المللی ICC

استاد سید امان‌الله ابدالی



گوشه‌ای از کنفرانس کامپاین محکمه‌ی جزایی بین‌المللی ICC در داکا

متخصصین افغانی طرفدار حقوق اقلیت‌ها» نیز شامل بود که آقای استاد سید امان‌الله ابدالی سکرتر «مجمع متخصصین افغانی طرفدار حقوق اقلیت‌ها» و رئیس ریفرم قضایی در وزارت مبارزه علیه مواد مخدر، از طرف «مجمع متخصصین افغانی طرفدار حقوق اقلیت‌ها» در آن کنفرانس اشتراک نموده بود و طی بیانیه‌ای از کارکردگیها و تجارب چند ساله‌ی «پامر» در راستای امضاء و تصویب محکمه‌ی جزایی بین‌المللی ICC در افغانستان مفصلاً به بحث پرداخته و تجارب «پامر» را بیان داشت.

فرستاده‌هایی از کشورهای جنوب شرق آسیا که در کنفرانس داکه اشتراک نموده بودند عبارت بودند از:

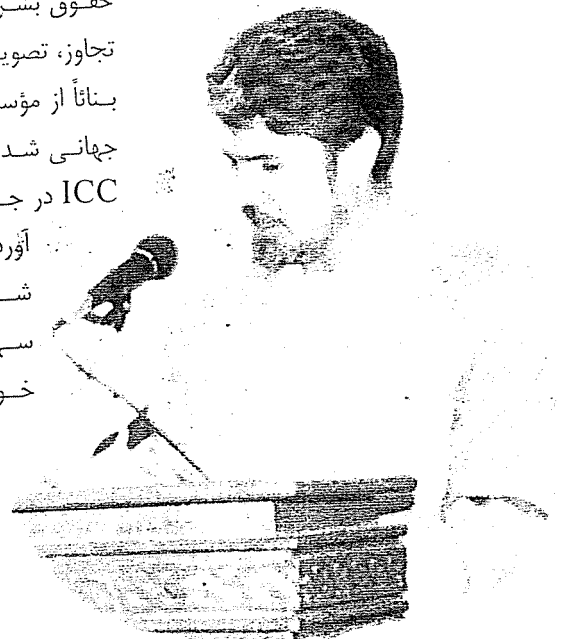
- آقای مودود احمد وزیر عدالت و عضو پارلمان بنگلادش
- خانم انیسه جیلانی از کشور پاکستان
- خانم سمیه هما از کشور

مرکز مؤسسه‌ی برک برگزار کرده بود که تا روی تصویب محکمه‌ی جزایی بین‌المللی ICC به تبادله‌ی افکار پرداخته و از کشورهای جنوب شرق آسیا و مخصوصاً از کشور بنگلادش بخواهد که به جمع کشورهای تصویب کننده محکمه‌ی جزایی بین‌المللی پیوندند و اصولنامه‌ی این نهاد قضایی بین‌المللی را برای جلوگیری از نقض حقوق بشر و نسل کشی و جرایم جنگی و تجاوز، تصویب نمایند.

بنابراین از مؤسسات حامی و طرفدار تصویب و جهانی شدن محکمه‌ی جزایی بین‌المللی ICC در جنوب شرق آسیا دعوت به عمل

آورده نبود که تا در آن کنفرانس شرکت نموده و در مباحث آن سهم گیرند و از کارکردگیهای خود در کشورشان من حیث تجارب مؤثر به بحث و گفتگو پردازند. از جمله‌ی دعوت شدگان به کنفرانس داکه «مجمع

مؤسسه‌ی اودیکار ODHIKAR یکی از مؤسسات حامی حقوق بشر و طرفدار محکمه‌ی جزایی بین‌المللی است که در بنگلادش از سالها قبل فعالیت شان را ادامه می‌دهند و این مؤسسه به تاریخ ۱۲ فبروری سال ۲۰۰۵ کنفرانسی را به همکاری ائتلاف بنگلادش برای تصویب محکمه‌ی جزایی بین‌المللی در داکه پایتخت بنگلادش در



هندوستان

- خانم سلطان رضیه از کشور بنگلادش
- آقای دیوید اسپرویل DAVID SPROULE کمیشنر عالی کانادا در بنگلادش
- آقای ظهردین سواپن از حزب ملی بنگلادش
- آقای محمد فاروق خان از حزب اتحاد مردم بنگلادش
- خانم فریده اختر از اتحادیه‌ی ژورنالیست‌های فدرال بنگلادش
- آقای منجورول حسن بابل استاد دانشگاه داکه
- آقای عدیل الرحمن وکیل دیوان عالی کشور بنگلادش
- خانم سو بوده پایکوریل SOBODH

PYAKOURD از نیال بنابر مشکلات سیاسی که در کشورش وجود دارد نتوانسته بود در کنفرانس اشتراک نماید چونکه کشور شاهی نیال از چند سال به این سو در جنگ داخلی با مائوئیست‌ها دست و گریبان است و نیال در بحران سیاسی سخت قرار دارد.

- و شخصیت‌های حقوقی و اجتماعی دیگر از بنگلادش نیز در این کنفرانس اشتراک نموده بودند.

جلسه توسط خانم تسنیم صدیقی رئیس اودیکار ODHIKAR آغاز گردید و از جمله کسانی که در آن جلسه به صحبت پرداخت آقای مودود احمد وزیر عدالت و عضوی پارلمان بنگلادش بود که گفت:

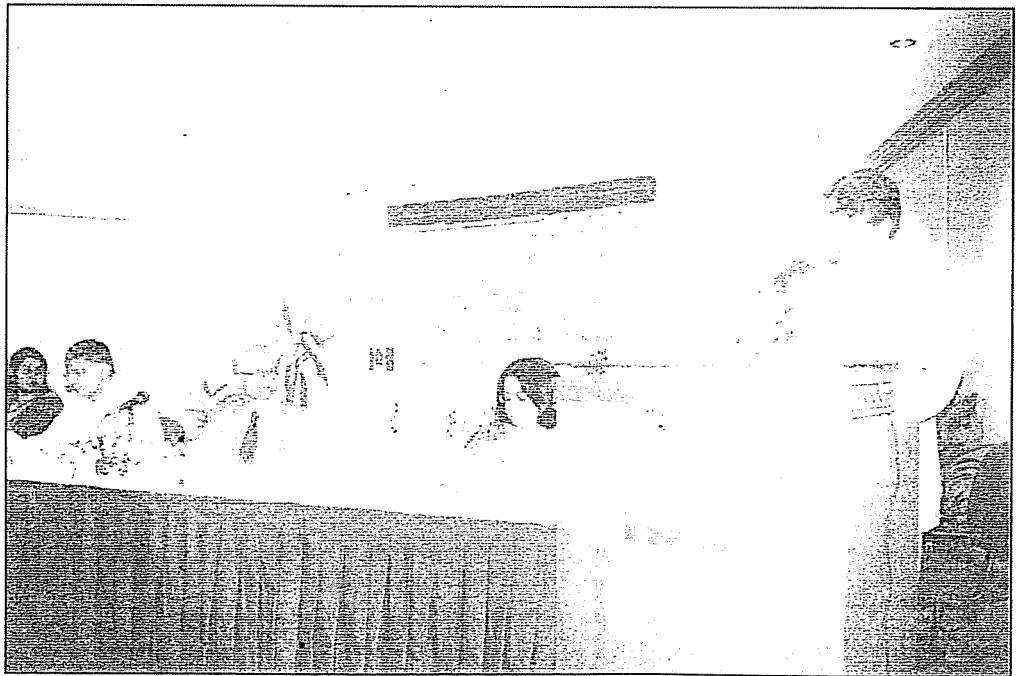
بنگلادش نیاز به توافق چندین جانبه با کشورهای همجوارش مثل هندوستان، پاکستان، نیال و سریلنکا دارد، تا بتواند که اصولنامه‌ی محکمه‌ی جزایی بین‌المللی ICC را که بحیث معاهده روم شناخته شده است، به تصویب برساند.

قابل یادآوری است که کشور بنگلادش در جنوب آسیا از جمله کشورهای است که اولین بار معاهده روم را امضاء نموده، ولی تا به هم اکنون آن را به تصویب نرسانیده است.

آقای ظهردین سواپن ZAHARUDIN SWOPON از

حزب ملی بنگلادش حرف آقای مودود احمد وزیر عدالت بنگلادش را تأیید کرد که بنگلادش به تنهایی و بدون کشورهای همجوارش نمی‌تواند که اصولنامه‌ی محکمه‌ی جزایی بین‌المللی ICC را به تصویب برساند.

به هر حال کنفرانس در طی دو نشستی که داشت با در نظر داشت تمام مشکلات کشور بنگلادش، تأکید ورزید که بنگلادش باید محکمه‌ی جزایی بین‌المللی را تصویب کرده و در جمع کشورهای تصویب کننده‌ی آن بیوندد.



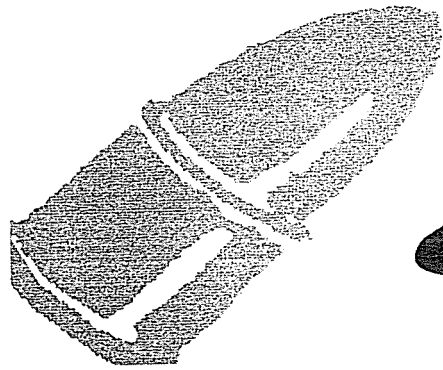
در تصویر فوق آقای استاد ابدالی در حال ایراد بیانیه‌اش دیده می‌شود.

د افغانستان

آینده

غرض تأمین

رسیدگی به گذشته



کاملاً از آن حمایت خود را اعلام نموده است و از رئیس جمهور آقای کرزی و پارلمان افغانستان که در ماه سپتامبر ۲۰۰۵ انتخاب می‌گردد تقاضا کرده است که تأمین عدالت برای قربانیان و خانواده‌های آنها را به صورت بخش انکار ناپذیر برای تأمین ثبات و صلح در کشور در نظر داشته باشند. این سازمان هم صدا با «کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان» در مشوره با جامعه‌ی مدنی افغانستان خواهان یک پلان استراتژیکی عملی برای تأمین عدالت و تثبیت حقایق و جبران خسارات برای قربانیان مطابق اصول پذیرفته شده‌ی بین‌المللی گردیده است.

همچنین سازمان عفو بین‌المللی از دولت افغانستان خواسته است که استراتژی را اتخاذ نماید که شامل تقویت جامعه‌ی مدنی افغانستان و اصلاح سیستم قضایی و عدلی افغانستان نیز گردد. به همین گونه اقداماتی را برای جمع‌آوری اسناد گذشته به شمول جامعه‌ی مدنی یا ملل متحد روی دست گرفته و به آن اقدام نماید

نکات دیگری که از طرف سازمان عفو بین‌المللی یادآوری گردیده است به صورت فشرده قرار ذیل قابل یادآوری است:

ناگوار جدی را در پی خواهد داشت که من جمله خطر از بین رفتن اسناد و مدارک می‌باشد و از طرف دیگر مرتکبین جرایم پایه‌ها اقتدار خود را دوباره تثبیت و مستحکم خواهند نمود.

عفو بین‌الملل اقدام «کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان» را برای مشوره ملی و پیشنهادات که از طرف کمیسیون مطرح شده است تأکید کرده و



عفو بین‌الملل یک نهاد مستقل حقوق بشر در لندن می‌باشد و از مدت‌ها قبل توجه‌شان را بر مسایل حقوق بشر در افغانستان معطوف داشته و رسالات را در زمینه به نشر سپرده است و در این اواخر یعنی به تاریخ ۲۰۰۵/۳/۱۱ گزارشی را در رابطه‌ی عدالت انتقالی transition justice در افغانستان تحت عنوان «رسیدگی به گذشته غرض تأمین آینده در افغانستان» را به نشر رسانیده است که در این گزارش سازمان عفو بین‌الملل یاد آورد شده است، وقت آن فرارسیده است که حقایق تخلفات حقوق بشر در جریان جنگ‌های داخلی افغانستان تثبیت گردیده و مرتکبین جنایات به عدالت کشیده شوند و قربانیان مورد دلجویی قرار گیرند.

تا هنوز جامعه‌ی بین‌المللی و اداره‌ی انتقالی افغانستان اقدام جدی را برای بررسی موضوع روی دست نگرفته است. تثبیت حقایق، تأمین عدالت و جبران تخلفات گذشته‌ی حقوق بشر یک عنصر کلیدی روندی است که باید منجر به تأمین صلح پایدار و اساس ایجاد عدالت مداوم گردد. تأخیر بیشتر در اجرای عدالت عواقب

مصونیت مجرمین و تامین حاکمیت قانون در افغانستان حمایت جدی نماید.
 - کشوری که افراد متهم به جرایم بین‌المللی در قلمرو شان حضور داشته باشند، مجرمین را مورد تحقیق قرار داده و پس از ثبوت محاکمه نماید.
 - سازمان ملل متحد باید یک مکانیزم جامعه‌ی مدنی افغانستان را برای جمع‌آوری اسناد و مدارک و بررسی تخلفات حقوق بشر را ایجاد نماید.
 نکات قابل توجه فوق که از طرف سازمان عفو بین‌المللی راجع به محکمه انتقالی در افغانستان آورده شده است برای علاقمندان و خوانندگان «قربانیان و عدالت» به صورت خلاصه ارائه گردید.



بخشودگی برای جرایم نسل‌کشی، جرایم جنگی و جرایم علیه بشریت، در قوانین افغانستان مجاز نباشد و مرتکبین این جرایم هیچ وقت در معافیت و مصونیت قرار نداشته باشند.
 - اصلاحات در سیستم قضایی افغانستان و ارگانها تنفذهی قانون باید ادامه داشته باشد که تا طبق معیارهای بین‌المللی عیار شده و عمل گردد و افرادی که به حیث پولیس استخدام می‌شود باید که دارای ریکاد نقض حقوق بشر نباشد.
 - مجازات اعدام باید در افغانستان ملغی اعلام گردد.
 - جامعه‌ی بین‌المللی باید از تلاش برای ایجاد انکشاف ظرفیت و توانمندی ملی برای پایان بخشیدن به معافیت و

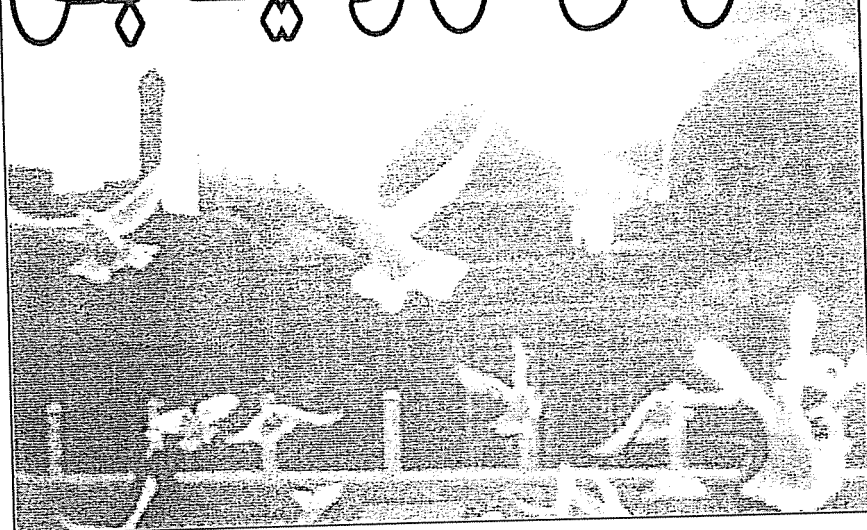
افغانستان، انکشاف و تطبیق برنامه‌ی طولانی مدت را برای ختم معافیت (مصونیت) مجرمین جنگی و تامین عدالت و جبران خسارات برای قربانیان و خانواده‌های آنها روی دست گرفته به اجرا در آورد.
 - افغانستان باید اصولنامه‌ی محکمه‌ی جزایی بین‌المللی را در قوانین ملی خود شامل نموده و زمینه همکاری آینده کشور افغانستان را با محکمه‌ی جزایی بین‌المللی ICC فراهم نماید.
 - نسل‌کشی جرایم جنگی، و جرایم علیه بشریت باید به صورت جرایم جنایی در قوانین افغانستان تعریف شود تا محاکم افغانستان صلاحیت رسیدگی به همچون جرایم را داشته باشند.
 - در تحت هیچگونه شرایط عفو و



گروه آسیایی مدافعین حقوق بشر و طرفدار جهانی شدن محکمه‌ی جزایی بین‌المللی ICC

نظری های

حقوقی در ولایت بلخ



بلخ یکی از ولایات کهن کشور ما دارای تمدن درخشان باستانی می باشد و در گردباد حوادث تاریخی فرازها و فرودهای فراوان را دیده است، از دشمنی سکندر مقدونی و چپاول اعراب و استیلای جهان کشایی مغول چنگیز خان گرفته تا کشتار و قتل عام سه روزه طالبان را شاهد بوده و به اوراق تاریخ سپرده است.

بگذریم از اینکه در گردونهی تاریخ به بلخ چه ها گذشته است اما در همین سه دهه ی اخیر بلخ همچون دیگر شهرهای افغانستان شاهد فجایع و بدبختیهای به دست ابنای خویش بوده است و تا به هم اکنون در آلام و مصیبت های فراوان غوطه ور است.

قتل و غارت، نقص حقوق بشر یکی از مسایلی است که رسانه های خبری داخلی و خارجی بارها از آن گزارشات شانرا ارائه داده اند و جهان را در همان تاریخ و زمان در جریان نهاده اند و بعد به فراموشی سپرده شده و تحت هیچ پیگرد قانونی قرار نگرفته است.

در این اواخر «مجمع متخصصین افغانستان برای حقوق بشر» یکی از اعضای خویش را موظف نمود که برای تحقیقات فشرده و کشف واقعیت هایی که در آن ولایت در جریان است، رفته و اوضاع را از

دیدگاه حقوقی مورد مطالعه قرار دهد و گزارش را فراهم نماید. که در نتیجه ی یک هفته تحقیقات گزارش را به دفتر مرکزی «مجمع متخصصین افغانستان برای حقوق بشر» ارائه نموده است که فشرده ی آن را قرار ذیل جمع بند کرده، تقدیم می داریم.

♦ قتلها مشکوک و بی تعقیب

یکی از موضوعات قابل توجه که در ولایت بلخ می باشد افزایش بی سابقه ی قتل های مشکوک در آن ولایت است که جداً اهالی بلخ را نگران نموده است و قاتلین تحت پیگرد قانونی هم قرار نگرفته است و مسئولین امنیت ملی و دیگر نهادهای دولتی به آن به جدیت برخورد نکرده اند.

تنها در همین سه ماه اخیر به تعداد ۱۹ جسد در سردخانه ی شفاخانه ی بلخ آورده

شده بود که قاتلین آنها معلوم نبود و اداره ی امنیت بلخ جداً برای کشف ماجرا و دستگیری قاتلین اقدام نکرده است و اکثراً این قتلها در مناطق دشت قوره سنگر خانه و دشت شادیان صورت گرفته است.

حدود ده روز قبل از تهیه این گزارش جسدی از منطقه ی سنتر خانه به دست آمد که به وضع فجیع به قتل رسیده بود و دو شب بعد از این واقعه جنازه ی دیگری در دشت شادیان پیدا شد که سر و ناخنهای مقتول نیز بریده شده بود و شخصی با مهمانش در ساعت ۸:۳۰ شب در خانه اش به قتل رسیدند.

درست در ۲۱ حوت ۱۳۸۳ که این راپور در دست تهیه بود جسد مقتولی از سنگر خانه به دست آمد. و در افواهی عامه گفته می شد که اکثر این قتلها را دستگاه اداری

منطقه جدی نگرفته و آنچه که ایجاب می کند پیگیری نمی کنند.

شخص تاکسی ران که در دام آدم کشان افتاده و از مرگ نجات پیدا می کند، در طی صحبتش یاد آورد شد، سه نفر از من دعوت کردند که آنها را تا قریه اولای برسانم من که وظیفه ام انتقال مسافرین است موافقت کردم و آنها بر تاکسی نشستند. دو نفر آنها لباس نظامی و یک نفر آنها لباس عادی به تن داشتند. وقتی که در دشت شادبان منطقه ی تانگ سوخته رسیدیم، یکی از آنها به من فحش داده و گفت موتر را ایستاد کن. وقتیکه موتر را متوقف کردم دو نفر آنها از موتر پایین شده مرا از موتر بیرون کردند و در اثر ضربه ی برچه ی یکی از آنها، دست من زخمی شد که در همین وقت کی از آنها گفت که موتری می آید و مرا رها کرده و فرار کردند و من خودم را به مقر پولیس رساندم و موضوع را به پولیس گزارش دادم ولی آنها قضیه را بسیار ناچیز جلوه داده به تعقیب سارقین بر نیامدند. اهالی ولایت بلخ از اینکه این گونه

قضایا جداً تحت تعقیب پولیس امنیت قرار نمی گیرند، ناراحت و ناآرامند و احساس مصونیت نمی کنند و برای ما (آپاھر) نیز از نظر حقوقی قابل سوال است که چرا موضوع تحت پیگرد جدی از طرف مسئولین امنیتی قرار نمی گیرد؟ آیا افراد امنیتی خود به چنین اعمالی دست می زنند؟ سوالی است که ما پاسخ آنرا نمی دانیم.

◇ غصب ملکیت های شخصی

در کنار مشکل امنیتی به مشکل دیگری که مردم بلخ به آن مواجه می باشند غصب دارائیهای مردم بی دفاع می باشد که نه تنها از طرف تفنگ سالاران صورت می گیرد و بلکه نهادهای اداری دولتی نیز به آن مبادرت می کنند و با وجود داشتن سند ملکیت به بهانه های مختلف به تصرف راضی آنها می پردازند و مانع بر کار آنها می گردند.

ده ها نوع از این مشکلات در تمام نقاط بلخ وجود دارد که یک نمونه ی آن پروژه ی خانه ی ابن ولید می باشد که در آن ملکیت

ارضی مردم بدون پرداخت پول به مالکین اصلی شان جزء پروژه گردیده است. و صاحبان اصلی زمین به هر مراجع که تاکنون مراجعه نموده اند کسی به داد آنها نرسیده است.

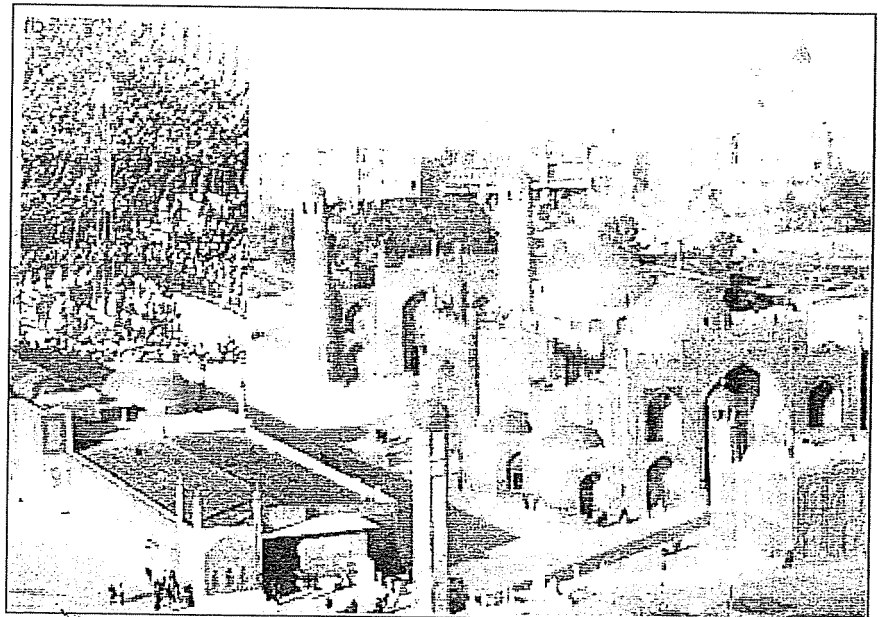
به همین گونه در اولسوالی نهر شاهی ولایت بلخ نیز نیرویی مسلح مانع مردم شده و مردمی که اسناد ملکیت شان را به دست دارند نمی توانند که زمینهای زراعتی شان را مورد استفاده قرار دهند بنا به گفته ی یکی از صاحبان زمین آنها تا کنون عراض را به مقامات مسئول عالی رتبه ی دولتی در کابل و بلخ تقدیم داشته اند ولی تا بهم اکنون کدام نتیجه ای را به دست نیآورده اند.

اهالی کمپ سخی نیز به همین مشکلات مواجه اند و نیروهای مسلح مانع کسب و کار آنها شده و برای شان مزاحمت ایجاد می کنند.

شخصی که اسناد مالکیت زمین شان را در دست داشت شکایت می کرد که زمینهای او از طرف مسئولین اداره ی دولتی ولایت بلخ تصرف شده است و برخلاف میل و اراده ی او برای مردم توزیع می شود.

او افزود که وقتی به مسئولین مربوطه مراجعه می کنم مرا تحت فشار می گیرند که زمین های را بفروش و اگر نمی فروشی به هر جائیکه می روی دستتان آزاد است و کسی مانع شما نیست.

در ولایت بلخ به چنین مشکلات و شکایات به صورت فراوان مواجه می شوی که از نظر حقوقی قابل توجه بوده و نیازمند جدی را ایجاب می کند که مراجع ذیصلاح به داد مردم بی دفاع برسند و از تعدیها و تخلفات جلوگیری نمایند که تا عدالت و صلح پایدار در کشور روشنی افکند ورنه «خدا می داند ما چه دانیم».



قطعنامه‌ی شورای امنیت سازمان ملل

در رابطه با فرستادن حارنوالی محکمه‌ی جزایی بین‌المللی
به دارفور سودان

بعد از مدت‌ها تأخیر به تاریخ ۳۱ مارچ ۲۰۰۵ شورای امنیت سازمان ملل قطع‌نامه‌ی پانزده صد و نود سه (۵۹۳) خود را در رابطه به وضعیت سودان به تصویب رسانید که از جمله اعضای شورای امنیت سازمان ملل یازده کشور به طرفداری قطعنامه‌ی رای مثبت دادند و چهار کشور دیگر مثل الجزایر، برازیل، چین و آمریکا، در آن رای ممتنع دادند. قابل یادآوری است که توافق آمریکا قبلاً حاصل شده بود که این مقطع نامه را وتو نکند.

با تصویب این قطع نامه محکمه‌ی جنایی بین‌المللی (ICC) می‌تواند که به دارفور رفته و در رابطه به جرایم جنگی تحقیق نماید و متهمین و یا مرتکبین جرایم جنگی را تحت پی‌گرد قانونی قرار دهد و به محکمه معرفی کند.

تصویب این قطع نامه نقطه عطفی برای رساندن پیام به کسانی است که مرتکب جرایم جنگی و جرایم علیه بشریت می‌شوند که در آینده آنها نیز بدون محکمه نخواهند ماند. جانشین نماینده‌ی آمریکا در سازمان ملل اظهار کرد با اینکه آمریکا در اساس بر محکمه انتقاد دارد و در قضیه‌ی دارفور خود را ملزوم می‌داند که باید اجراءات در آن جا به عمل آید و این بسیار مهم است که جامعه‌ی جهانی با یک صدا مسئولیت پذیری را تقویت و حمایت می‌کند.

از اینکه بارها رئیس جمهور بوش بر محکمه جزایی بین‌المللی مخالفت می‌نمود ولی در رابطه به قضیه‌ی سودان از حق وتو استفاده نکرد و این یک گام بزرگ در جهت پیشرفت اهداف محکمه‌ی جزایی بین‌المللی می‌باشد.

کشورهایی که این قطع‌نامه را امضاء نکردند مدعی‌اند که مجرمین در محاکمات ملی خود آنها تحت پی‌گرد قانونی قرار می‌گیرند و پاراگراف ششم این قطع‌نامه موضع ICC را در قبال آنها ضعیف می‌سازد.

برداشتن موانع قطع‌نامه یکی از تغییرات قابل ملاحظه‌ای در اداره‌ی بوش می‌باشد. چونکه به طور مداوم از دایر شدن محکمه‌ی جزایی بین‌المللی ICC ممانعت می‌کرد.

معاون نماینده‌ی ایالات متحده‌ی آمریکا در سازمان ملل اظهار کرد که ما تصمیم گرفتیم که مخالفت قطع‌نامه سازمان ملل را نکنیم بخاطر این که جامعه‌ی جهانی ضرورت دارد با همدیگر کار کند تا فضای معافیت کلی



مجرمین را در سودان خاتمه دهد. با صدور قطع‌نامه جرایم جنگی و جرایم ضد بشریت در دارفور سودان از اول جولای ۲۰۰۲ تا بحال توسط ICC بررسی می‌شود. اما ICC نمی‌توند که تحقیقات را بعد از تصویب در ظرف یک سال آغاز نماید. قطع‌نامه در رابطه به افراد کشورهایی که عضو محکمه‌ی جزایی بین‌المللی نیستند و افراد آن مرتکب جرایم ضد بشریت در سودان شده‌اند توسط محاکم ملی آن کشورها باید محاکمه شوند. این موضوع از حکومت سودان و کشورهایی که در موضوع دارفور دخیل می‌باشند تقاضا می‌کند که به صورت جدی به محکمه جزایی بین‌المللی همکاری نمایند. همچنین باید علاوه کرد که سازمان دیده‌بان حقوق بشر این ماده‌ی قطع‌نامه را که مجرمین کشورهایی که عضو ICC نیستند، باید در محکمه‌ی ملی شان محاکمه شود، محکوم نموده و گفته است که تمام مجرمین باید توسط ICC محاکمه گردند.



اامارچ را نیز گرامی میداریم

✓ نعمت‌الله ابراهیمی

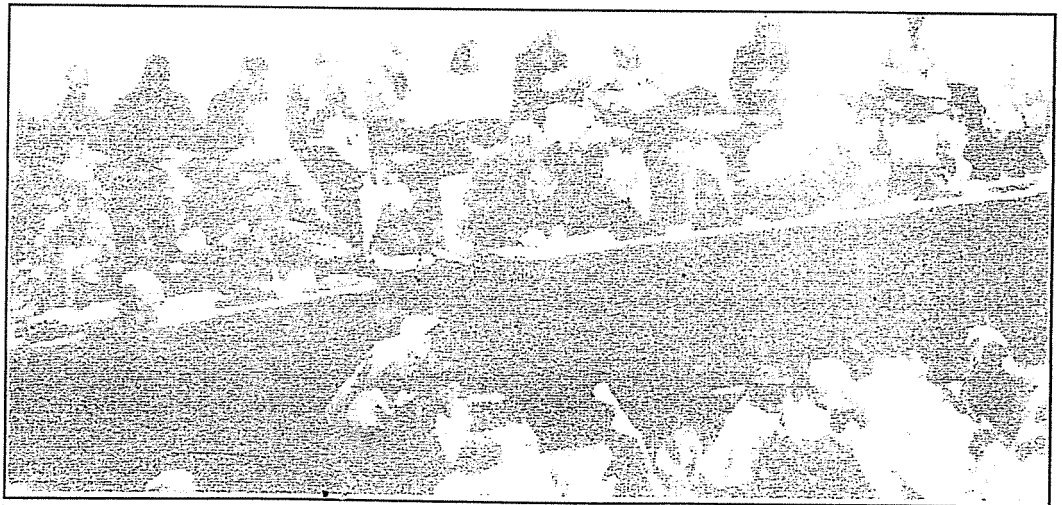
همانطوریکه اامارچ را گرامی میداریم،

بنائاً ما این سالروز تاریخی را که نقطه‌ی عطفی در تاریخ بشریت می‌باشد، و اساس عدالت و محکمه‌ی جهانی پایه‌گزارى گردیده است، تا از نسل کشی، جرایم ضد بشریت و تجاوز در جامعه‌ی جهانی جلوگیری به عمل آید، و یا مرتکبین در معافیت و بدون محاکمه نماند؛ کاملاً استقبال نموده و این سالروز را همچون سالروزهای دیگر بین‌المللی گرامی می‌داریم. چون از دیدگاه ما این سالروز از همه وقایع و سالروزهای دیگر، دارای اهمیت بیشتر و ارزش متعالی‌تر می‌باشد.

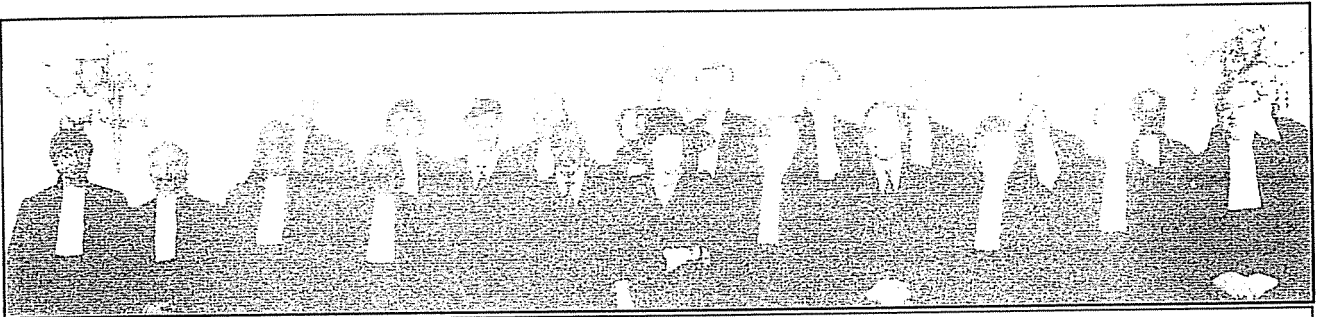
برای این که به این سالروز خوبتر مطلع شویم، از این جا آغاز می‌کنیم که سال ۲۰۰۳ در کنار ده‌ها بی‌عدالتی و تجاوز و جنگ در بعضی نقاط جهان یک سال فوق‌العاده و استثنایی می‌باشد که رویای بسیاری از عدالت‌خواهان را در طی دو جنگ جهانی ارائه نموده بودند، به حقیقت و واقعیت رسانید به این معنا که در

اجرا نمایند. از آنجایی که جامعه بشری اولین بار بر یک چنین نهاد عدلی جهانی بعد از طی قرن‌ها دست می‌یابد، روزنه‌ی امیدی است برای جامعه‌ی جهانی و بالخصوص آنهایی که قربانی بی‌عدالتی‌ها گردیده و قتل‌عام شدند و کرامت و حیثیت انسانی‌شان زیر پا گردیده است و بی‌عدالتی و ستمگری را به گونه‌های مختلف با گوشت و پوست‌شان احساس نموده و رنج بردنده‌اند، یک ودیعه بی‌نهایت با ارزش است که در صحنه‌ی تاریخ جهان پدید آمده است.

هشتم مارچ را به حیث سالروز جهانی زن، همه گرامی می‌داریم که زنان در طی پیکار شجاعانه‌شان در دنیای غرب توانستند که خودها را از تقیدات دست و پاگیر و محکومیت، رهایی بخشیدند اما یازدهم مارچ را نیز باید گرامی بداریم که اولین بار در تاریخ بشریت قضاات محکمه‌ی جزایی بین‌المللی ICC در طی مراسم رسمی سوگندنامه‌شان را ادا کرده و تعهد سپردند که در راه تأمین عدالت اجتماعی در سراسر جهان، بدون تبعیض و تمایل شخصی با اعتقاد کامل وظایف‌شان را



اعضای سازمانهای غیر دولتی ائتلاف ICC از اولین نشست اسمبله‌ی کشورهای عضو و انتخابات قضاات در فبروری سال ۲۰۰۳ نظارت می‌کنند.



هجده قاضی محکمه جزایی بین‌المللی ICC برای اولین مسند داوری بعد از ادای سوگند در این تصویر با آقای جان پیتربال کالکانیز صدر اعظم پادشاهی هلند و سکرتر جنرال سازمان ملل آقای کوفی عنان، خانم بیتریکس ملکه هالند و آقای شاهزاد زاهدالحسین رئیس اسمبله کشورهای عضو در ۱۱ مارچ ۲۰۰۳ دیده می‌شوند.

جنگی و مجرمین حقوق بشر و نسل کشی را در جهان به پای میز محاکمه کشیده و به جزای اعمالشان برسانند.

قضات جهانی پیشنهاد شده است، تقدیر و گرامی می‌داریم و امید است که این محکمه و قضات آن بتوانند جنایتکاران

فبروری همین سال «محکمه‌ی جزایی بین‌المللی ICC» پایه‌گذاری گردید، و اولین قضات مسندداری را انتخاب نمودند که شامل هفت زن و یازده مرد می‌شوند و این قضات از مناطق مختلف جهان و دارای سیستم قضایی مختلف و فرهنگهای مختلف می‌باشند

در یازدهم مارچ همین سال (۲۰۰۳) قضات یادشده در طی مراسم رسمی با حضور داشت سرمنشی ملل متحد آقای کوفی عنان و صدر اعظم و ملکه‌ی کشور هلند و رئیس اسمبله کشورهای عضو محکمه‌ی جزایی بین‌المللی ICC، آقای زاهدالحسین، تعهدات رسمی شان را قرائت کردند و مسند داوری محکمه‌ی جزایی بین‌المللی را عهده دار شدند.

به همین ملحوظ ما این روز تاریخی را که به حیث اولین دادگاه بین‌المللی و



نمایندگان ۸۵ کشور عضو اصولنامه روم ورقه‌های رای دهی خود را در اولین بار برای انتخاب قضات محکمه‌ی جزایی بین‌المللی ICC در ماه فبروری ۲۰۰۳ در صندوق می‌ریزند.

سوگندنامه‌ی

محکمه‌ی جزایی

بین‌المللی ICC

من رسماً تعهد می‌نمایم که وظایف و توانمندیم را به حیث قاضی محکمه‌ی جزایی بین‌المللی، احترامانه تا اعتقاد کامل و با وجدان و هوشیاری، اجرا نموده و تحقیقات را بی‌طرفانه مورد کنکاش و بررسی قرار دهم.

«تعهد رسمی مطابق ماده‌ی ۵ آیین دادرسی و گواهی»

به سوی صلح و امنیت روآورده است. در تحت چنین شرایط، امسال هموطنان سیک ما توانستند که بعد از پانزده سال وقفه مراسم جشن مذهبی خود را به نام «ویساک» تجلیل نمایند.

«ویساک» سالروز تولد یکی از رهبران مذهبی سیکها به نام: گورو گوپیندسنگ دهمین آموزگار و رهبر آیین سیک است که ۲۵ حمل امسال مصادف به سه صد و هفتمین سالگرد تولد اوست و به همین جهت از طرف هموطنان سیک این سالروز در شهرهایی که حضور دارند از جمله کابل و قندوز و غیره تجلیل گردید.

یکی از سیکهای هموطن ما در کارته پروان اظهار داشت که آنها بسیار احساس مسرت می کنند که بعد از چند سال دوباره و به صورت عادی مراسم و جشن مذهبی خود را انجام می دهند و امیدوار هستند که بار دیگر کشور بدام بدبختیهای گذشته نیفتد.



بدبختی هموطنان سیک و هندوی ما قادر نبودند که مراسم مذهبی خود را آزادانه و بدون دلهره انجام دهند اینک شرایط جدید در کشور بوجود آمده است. کشور از حالت جنگ و تعصبات کور،

سالهای جنگ فاجعه بار برای تمام مردم افغانستان، سالهای شوم و بدبختی بود و مردم افغانستان قریب به سه دهه را در شدیدترین شرایط زندگی و با

مشکلات فراوان به سر بردند. ولی در این میان اقلیت‌های هموطن ما مثل سیکها و هندوها از همه بیشتر مواجهه با ناگواریهای اجتماعی، قرار داشتند و حتی برای این که از دیگر مردم افغانستان متمایز شوند مجبور به بستن دستار زرد برداشتن علامت بر روی بامهایشان شده بودند (که تاشخص شوند که غیر مسلمان می باشند).

در این دوران فاجعه و



کشور گرفته تا به چوکات زندگی فامیلی و نحوه تربیت از مسایلی است که نمی‌توان آنرا نادیده گرفت و ساختار قبیلوی و مناسبات سنتی باوری را بر آن علاوه نکرد.

در جرگه‌ی قانون اساسی شاهد بودیم که رئیس جرگه‌ای قانون اساسی چگونه زنی را مورد لعن و تکفیر قرار داده و سخنانی نثار آن کرد که شایسته یک رئیس و یک شخص محترم نبود. با وجودی که او در جرگه‌ی قانون اساسی نماینده برگزیده‌ی مردم نبود و بلکه شخص رئیس جمهور آقای کرزی آنرا برگزیده بود و سخنان او نه تنها سخن خودش بلکه نمایندگی از شیوه پیش رئیس جمهور نیز می‌کرد. همین بینش است که خانم رئیس جمهور به ندرت در محافل و مراسم رسمی و غیر رسمی ظاهر می‌شود. و با وجودی که قانون اساسی در یک جو ناسالم تصویب شد بنا بر نوشته‌ی «گروهی بحران بین‌المللی (ICG) بحث سالم و سازنده‌ی روی آن بطور کامل صورت نگرفت و توافق نمایندگان بر مسایل بحث برانگیز حاصل نشد. راجع به نقش زن در آن نکات برجسته‌ای که از دیگر قوانین اساسی گذشته‌ی افغانستان متمایز باشد به چشم نمی‌خورد. بناً تأجلیل کردن از سالروز زن مقام زن را بالا نبرده و زنجیرهای مردسالاری را از دست و پای آنان بر نداشته زنج و محکومیت آنان را درمان نمی‌سازد.

اگر هشتم مارچ به حیث سالروز زن شناخته شده، این سالروز به آسانی به زنان هدیه نگردیده است و بلکه ثمره‌ای است که با نهضت و قیام زنها و قربانی دادن آنها بدست آمده است. اگر بر تاریخ گذشته‌ی جهان نظر اندازیم بدون ابهام درک

هشتم مارچ در جامعه‌ی جهانی بحیث روز زن پذیرفته شده است. به استثنای معدود کشورهایی که آن را نپذیرفته‌اند دیگران از آن به صورت رسمی و غیر رسمی تجلیل به عمل می‌آورند. در کشور ما این سال روز از طرف نهادهای مختلف اجتماعی و سیاسی تجلیل گردید و بیانیه‌های پرشور و سخنرانیهای ستایش گرایانه‌ای را به عمل آوردند ولی با تمام این تجلیل‌ها، مشکلات زن در کشور ما همچنان دست نخورده و پایدار بجای خودش باقی است و زنان افغانستان نمی‌تواند که به آسانی از آن رهایی یابد و با هویت مستقل و بدون موانع و مشکلات وارد عرصه‌های سیاسی و اجتماعی گردند. حضور چند زن در صحنه‌ی اجتماعی و سیاسی و به صورت نمادین نمی‌تواند که مشکلات میلیونها زن افغانستان را حل کرده و مدعی شویم که راه هموار شده است و مانع دیگری در راه پیشرفت و سهم گیریهای زنان در مسایل اجتماعی و سیاسی و حقوقی و اقتصادی وجود ندارد. مشکلات زن افغانستان از قانون اساسی



زنان

مشکلات اجتماعی و سیاسی

نویسنده: ج. علی اوحدی

می‌کنیم که زنان در تمام جوامع بشری تحت فشار و تقیدات اجتماعی به مراتب مختلف قرار داشته‌اند و دشمنی ستمگرانه‌ی مردان را بر پهلوی احساس می‌نمودند و قرن‌ها را رنج کشیده و به صورت طفیلی زندگی می‌کردند. نهضت زن‌سانس در اروپا همانطوری که در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی تأثیر گذاشت، بر زندگی اجتماعی زنها نیز بی

نویسنده‌ی سیاسی فرانسه یکی از کسانی بود که شدیداً علیه آزادی و رهایی زن مقاومت می‌کرد.

مسئله آزادی و برابر زنها را مورد حمله قرار داده می‌گوید: زنان به خانواده تعلق دارند نه به جامعه سیاسی، طبیعت آنها را برای خدمات خانگی ساخته و نه برای

نمی‌دهند که از آن بیشتر مسایل اجتماعی و حقوقی زن را مورد توجه قرار دهند.

اندیشه‌ی سن سیمونی مبتنی بر منسوخ شدن هر گونه بردگی می‌باشد. لغو شدن بردگی کارگر و بردگی زن برای اینکه زنان نیز مانند مردها موجودات بشری هستند بناً باید از آزادیهایی که مردان

تأثیر نبود و زنان را در بخشهای اجتماعی وارد کرد و در هنر و ادبیات فعال نمود و توانست در اشعار، داستانها و مقالات خود، خود را تبارز داده و در برابر مخالفین زن عرض اندام کند. افکار سنتی که زنها را تحقیر و موجود درجه دوم معرفی می‌کرد، موجب شد که زنان روشنفکر با لحنی شدید و کوبنده علیه آنان به مبارزه برخاسته و آن نحوه‌ی بینش را مورد حملات قرار دهند.

در اواخر قرن هفدهم لیدی وین هیلسی تمام نوشته‌هایش را برای وضع اجتماعی زن اختصاص داد و در مقابل وضع زن به خشم آمده سر و صدایی را به پا می‌کند، از جمله دوستش دونیوکاسل نیز وضع زندگی زنها را به بررسی می‌گیرد، و می‌نویسد:

«زنها مثل سوسک یا بوم زندگی می‌کنند مثل کرم می‌میرند.» این زن به نسبت نوشته‌هایش مورد ملامت و تمسخر قرار می‌گرفت، به ناچار رو به زندگی انزوایی آورده آن را اختیار می‌کند، تا اینکه به فراموشی می‌رود. ولی مبارزات آزادی خواهی زنان ادامه پیدا می‌کند.

با پدید آمدن افکار سن سیمون در قرن نوزده برای اولین بار سراب مسئله «زن آزاد» ارائه می‌شود ولی موضوع در درجه دوم اهمیت قرار دارد و فمینیستها (زن گرایان) سن سیمونی که در قالب انتشارات مجلات به حمایت زنها می‌پرداختند جرئت نمی‌کردند که بالاتر از حق تحصیل برای زنها، مسایل دیگری را خواستار شوند به عینه مثل شرایط کنونی کشور ما که تمام طرفداران حقوق زن مسئله تحصیل زنها را با شکلی از اشکال دامن زده و از همه مسایل حقوقی، اجتماعی و سیاسی روی آن بیشتر تأکید می‌کنند و به خود جرأت

نهضت رنسانس در اروپا همانطوری که در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی تأثیر گذاشت، بر زندگی اجتماعی زنها نیز بی تأثیر نبود و زنان را در بخشهای اجتماعی وارد کرد و در هنر و ادبیات فعال نمود

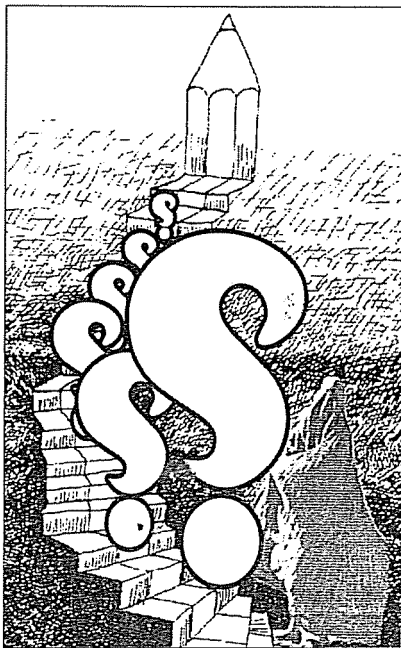
کارهای عمومی. به هر صورت باورهای سنتی و روایات که مبتنی بر نظم جامعه و سلسله مراتب خانواده بود همه روزه متزلزل شده و فرو می‌ریخت.

سر انجام در تداوم مبارزه و مقاومت کار به جایی رسید که زنجیرهای اسارت از دست و پای زنها آمریکایی و اروپایی برداشته شده و زنان مالک سرنوشت حاکمیت بر نفس خود می‌شوند.

اینک شرایط فعلی کشور ما از دیدگاه مقایسوی همان شرایط اروپای قرون وسطایی را در اذهان تداعی می‌کند و ما شاهد آن هستیم که تعداد معدودی علم آزادی و برابری زنها را برداشته به توجه‌های از اسنادهای باوری در تلاش‌اند که عرصه را برای زنها هموار نمایند و عده‌ی دیگر همچنان سرسختانه مقاومت نموده و با لعن و تکفیر، بر اندیشه‌ی آزادیخواهی زنها و حرکات اجتماعی آنها می‌تازند.

تردیدی نیست که طی کردن این راه پر پیچ و خم، کار ساده و آسانی نیست همانطوریکه در اروپا و آمریکا به سادگی به دست نیامد و در جامعه ما نیز بدون قربانی داندنها و لمس کردن چماق تکفیرها میسر نخواهد بود و زنجیرهای سنتی که از دایره

بهره می‌برند، زنان نیز به‌رمند گردند. و آنچه که این نظریه را بعدها بی اعتبار می‌سازد آن است، بجای اینکه زن را با مرد همسان قرار دهد، وی را در مقابل مرد قرار می‌دهد. چونکه در افکار سن سیمون احساس زن را به رسمیت می‌شناسد نه عقل او را و این نحوه‌ی بینش موجب می‌شود که زنان در مقابل مردان قرار گیرند و طبیعی بود که در کنار افکار مساوات طلبانه و برابری زنان، اندیشه ضد زن نیز عرض اندام می‌نمود. بونال



تأمین عدالت برای قربانیان

از انتشارات سازمان عفو بین الملل

محکمه‌ی جرایم بین المللی

بخش ششم

محکمه‌ی جزایی بین‌المللی ICC با قربانیان بحیث وسیله حفاظت یا تحقیق برخورد نمی‌کند. قانون سهم قربانی را که می‌تواند پروسه‌ی جرایم و اهمیت آن را به خوبی درک کند، مطابق ماده ۶۸ (۳) ICC تقاضا می‌کند که باید به قربانی اجازه داده شود که تا در بخش‌های مقدماتی محاکمه از نگرانیها و موضوعاتی که می‌خواهد ابراز نظر کند.

نقش قربانی در شروع تحقیقات یا بررسی چیست؟

ماده‌ی ۱۵ به وکیل صلاحیت می‌دهد که تحقیقات شان را که روی هر نوع معلومات از هر منبع که باشد به شمول خود قربانی باید شروع کند. قربانیان می‌توانند در

جا دارد، با تکرار این جمله که «در این قرن میلیونها زن، مرد و اطفال قربانی جرایم غیر قابل تصور گردیده‌اند که وجدان انسانیت را تکان داده است.»

قانون عدالت منافع قربانی را مکمل تشخیص می‌دهد. روی هم رفته علاقه‌ی قربانی در دیدن تحقیقات موثر در مورد جرایم می‌باشد و این کاریست که عدالت آن را انجام می‌دهد.

آیا قربانی می‌تواند در مراحل مختلف محاکمه شرکت کند؟

«اعلامیه ملل متحد در مورد قواعد اساسی عدالت برای قربانیان و جرم سو استفاده از قدرت، در اصل ۴ تذکر می‌دهد: «با قربانیان باید به شفقت برخورد شده و به شخصیت او احترام شود، به مکانیزم عدالت و جبران خسارت، دسترسی فوری و مطابق قانون ملی داشته باشد.»

در حال حاضر علاقه‌مندیهای دوباره بین‌المللی در تأمین عدالت برای قربانیان و حقوق آنها در حال بهتر شدن است. این موضوع در قانون روم و محکمه‌ی جرایم بین‌المللی انعکاس یافته است و سه اصل اساسی قانون روم متقاضی است که محکمه‌ی جزایی بین‌المللی باید در همه احوال تضمین نماید که معیارهای اتخاذ شده در تضاد و یا در ضرر حقوق متهمین نمی‌باشد و یک محاکمه مستقل و منصفانه است.

۱- اشتراک در مراحل محکمه

موقف قربانی در قانون محکمه‌ی جزایی بین‌المللی ICC چگونه است؟
قانون محکمه در سراغار اشاره می‌کند که تأمین عدالت برای قربانی در قلب قانون



جلسه‌ی قبل از محاکمه حضور یابند و ببینند که تصمیم یا امر تحقیقات داده می‌شود یا خیر؟ و اگر بخش تصمیم بگیرد که قبل از محاکمه و یا وکیل نخواهد که محکمه با یک تحقیق آغاز گردد باید موضوع به مرجع مربوطه ابلاغ گردد.

آیا یک قربانی می‌تواند که در یک بخش محاکمه و یا پروسه‌ی بعد از محاکمه شرکت نماید؟

ماده ۶۸(۳) تذکر می‌دهد که محکمه‌ی جزایی بین‌المللی ICC باید به قربانی اجازه دهد که نظریات و نگرانیهای خود را با محکمه‌ی جزایی بین‌المللی ICC برای تحقیقات در مقدمه‌ی محکمه در میان

تدارکات امنیتی، مشاوره و دیگر مساعدت‌های مقدماتی را برای قربانیان، شاهدان و کسانی که در محکمه حضور می‌یابند، مانند اعضای فامیل و یا کسانی که بخاطر چنین شهادت در خطر قرار داشته باشند فراهم می‌نماید. ماده ۶۸(۶) به این بخش صلاحیت می‌دهد که وکیل و بقیه کارمندان ICC در چنین مسایل، کارمندان مجرب را برای بررسی از قربانیان، به شمول قربانیان خشونت‌های جنسی و اطفال در چوکات کاری خود شامل نماید.

بگزارد به شرط آنکه حقوق متهم برای داشتن یک محاکمه‌ی منصفانه متضرر نگردد. باید پروسه‌ای را در برگیرد، که شامل جزا دادن، پرداخت غرامت و دفاعیه تخفیف جزا و تجدید نظر در مورد رهایی متهم باشد.

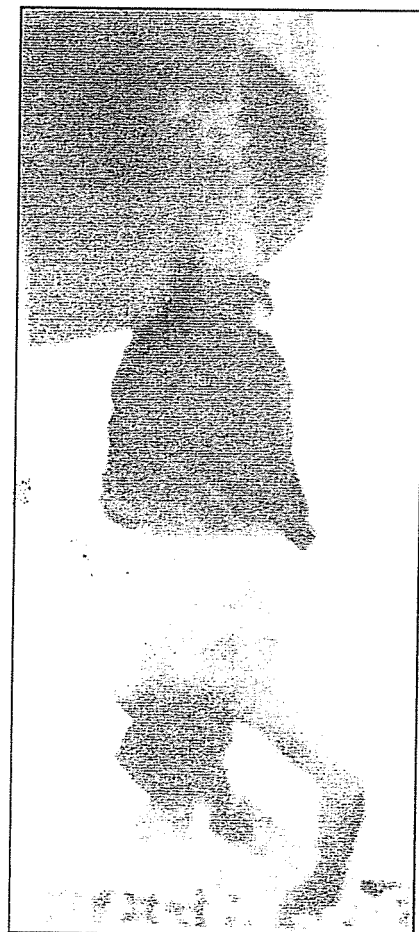
۲. حفاظت از قربانیان و شاهدان

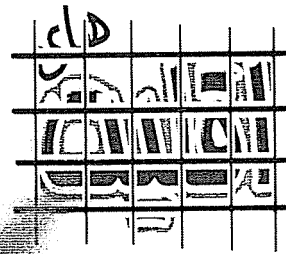
آیا قانون روم حفاظت شاهدان و قربانیان را مورد توجه قرار می‌دهد؟
قانون ICC از مصونیت جسمی و روحی، شخصیت و شهرت قربانیان و شاهدان و خانواده‌های آنها را در نظر داشته و در چوکات قانونی حمایت می‌کند.

آیا بخش مخصوصی راجع به معافیت قربانیان و شاهدان در محکمه‌ی جزایی بین‌المللی وجود دارد؟

ماده ۴۳(۶) تأسیس دبیرخانه‌ای را برای بخش کمک به قربانیان و شاهدان، دستور داده است. و این معیارهای حفاظتی،

مسئولیت‌های وکیل در مقابل قربانی مطابق قانون روم چه می‌باشد؟
ماده ۵۴(۱) (ب) تقاضا دارد که وکیل در جریان تحقیق یا بررسی باید علائق شخصی قربانیان و شاهدان را با اجراءات شخصی به شمول سن، جنسیت، صحت و برای جواب دهی نوع جرم، به خصوص جاییکه خشونت‌های جنسی و جنسیتی و یا خشونت علیه اطفال باشد، در نظر داشته باشد.





موسی

نوشته: ج. علی اوحدی

مذهبی

افغانستان

مذهب و آراء اسماعیلیه

امر مخالفت نموده معترض شدند که امامت باید از اسماعیل به پسر او محمد منتقل شود و نه بر امام موسی کاظم و اینها مدعی بودند که انتقال امامت از برادر بر برادر فقط در بازه‌ی امام حسن (ع) و امام حسین (ع) امر استثنایی می‌باشد و در بقیه امامان، سیره چنین بوده است که امامت از پدر به پسر انتقال یافتند و پس باید از اسماعیل که توسط پدرش امام جعفر صادق با امامت معین شده بود به پسرش محمد انتقال می‌کند نه بر عمویش امام موسی کاظم (ع). به این قسم از آن زمان به بعد عده‌ای محمد بن اسماعیل بن جعفر صادق را به حیث امام برگزیده و آن را امام خود خواندند.

بعضی نویسندگان می‌نویسند که اعتقاد اسماعیلیان بعد از این امر راجع به امام نیز تغییر نمود و میان امام هفتگانه قبلی یعنی حضرت علی تا امام اسماعیل فرق قایل شدند و امام محمد بن اسماعیل را امام قائم خوانده و معتقد شدند که مقام امام قائم بالاتر از امامان هفتگانه قبلی و پیامبر می‌باشد.

در شماره‌ی دوم «قربانیان و عدالت» راجع به اقلیت مذهب اسماعیلیه تماس مختصر گرفته شد که اینک به ادامه آن پرداخته و برای معلومات شما مطالبی ارائه می‌گردد.

از وفات امام جعفر صادق، در سال ۱۴۸هـ به وجود آمده است و علت آن آنطوری که در بعضی منابع آمده است چنین می‌باشد که امام جعفر صادق امام ششم شیعیان در دوران حیاتش برای امامت شیعیان صریحاً اسماعیل پسر بزرگش را معین کرد ولی اسماعیل در دوران حیات امام جعفر صادق وفات نمود و در بقیع (قبرستان مشهور در عربستان سعودی) خاک سپرده شد و از این جهت عده‌ای از شیعیان بعد از امام جعفر صادق (ع) امام موسی کاظم پسر دیگر او را به حیث امام برگزیدند و عده‌ای بر این

مذهب اسماعیلیه یکی از شاخه‌های مذاهب اهل تشیع می‌باشد که به نام‌های مختلف مثل باطنیه، اهل تأویلی، سبعیه و هفت امامی و غیره خوانده شده است و همچنان از طرف تعداد نویسندگان متعصب مسلمان فروع دیگر اسلامی به نام ملاحده و عنوان‌های دیگر نیز یاد گردیده است که حاکی از تعصب مفرد آنان نسبت به فرقه‌ی اسماعیلیه می‌باشد. گفته می‌شود که مذهب اسماعیلیه بعد

مورخین که بر ضد اسماعیلیان بوده‌اند و راجع به اسماعیلیان و تاریخ آنان چیزهایی نوشته‌اند عبدالله بن فلاح را اولین داعی مذهب اسماعیلیان و بنیانگذار آن مذهب ثبت کرده‌اند و مدعی شده‌اند که اولین بار او بود که روش تبلیغ را در بلاد مسلمین بنیاد نهاد و دعوت به مذهب اسماعیلیه را آغاز کرد و شیعیان دوازده امامی را در کشورهای شام عراق و ایران بر آن مذهب دعوت نمود و عده‌ای را طرفدار و پیرو مذهب اسماعیلیه کرد.

وفات امام یازدهم شیعیان دوازده امامی و مسئله مبهم بودن امام دوازدهم شیعیان سبب شد، که عده‌ای بیشتر از شیعیان دوازده امامی به مذهب اسماعیلیه گرویده و به آن مذهب معتقد شوند.

ورود مذهب اسماعیلیه در خراسان

کشور ما خراسان یکی از کشورهای بود که در اوج فعالیت و گسترش مذهب اسماعیلیه مورد توجه داعیان اسماعیلیه قرار گرفت و شخصی از اهالی ری که اولین کتابهایی را در مذهب اسماعیلیه به نام «البیان» نوشته است و به اسم غیاث خوانده می‌شود وارد خراسان شد و به مرو رود اقامت گزید و امیر حسین مروزی در آن زمان پادشاه خراسان بود، دعوت او را پذیرفته به مذهب اسماعیلیه گروید. طبق نوشته‌ی خواجه نظام‌الملک وزیر معروف سلجوقی، گرویدن پادشاه خراسان به مذهب اسماعیلیه سبب شد که عده‌ی زیادی از مردم در میمنه، هرات، غرجستان «هزارستان» و غور به این مذهب معتقد شده و از پیروان آن گردد.

امیر حسین که به مذهب اسماعیلیه سخت معتقد شده بود وصیت کرد که بعد از فوت وی وظیفه دعوت اسماعیلی را به شخصی به نام محمد بن نخشی بسپارد و او را نایب خود نمود.

محمد نخشی بعد از وفات امیر حسین وظیفه‌ی دعوت را تداوم داد و مردم خراسان را برای پیوستن به مذهب اسماعیلیه دعوت کرد، از آب جیحون گذشته وارد بخارا شد و عده‌ی زیادی را از طبقات و اقشار مختلف، به مذهب اسماعیلیه دعوت نمود تا اینکه حسین ملک از خاصان نصر بن احمد سامانی را به مذهب خود جلب و از پیروان اسماعیلیه گردانید و توسط او نصر بن احمد سامانی را به مذهب اسماعیلیه آشنا نمود و او به دیدن محمد نخشی راغب شد او را

مذهب اسماعیلی را تقویت کرد. همچنین روند تبلیغات ادامه یافت و در زمان المستنصر بالله فاطمی بود که ناصر خسرو بلخی به در بار او شرفیاب شد و به مذهب اسماعیلیه گروید و مدت سه سال در درسهای شخصی به نام هیت‌الله الموید اشتراک نمود و این درسها سبب انقلاب و تحول فکری او گردید و بالاخره مذهب حنفی را رها کرده و به مذهب اسماعیلیه پیوست. همانطور که در شماره گذشته نیز اشاره

عیدالله المهدی در طول ۲۵ سال حکومت خویش تلاشهای فراوان را به خرج داد و داعیان بسیار را در کشورهای اسلامی فرستاد و گسترش مذهب اسماعیلی را تقویت کرد.

عزیز و گرمی داشت و مجذوب او گردید و هر چه را که می‌گفت با دل و جان قبول می‌کرد مذهب اسماعیلیه در خراسان رو به گسترش بود تا اینکه توسط روحانیون مذهب رسمی کشور و دولت سلجوقی به شدت سرکوب شدند.

تأسیس دولت فاطمی توسط عبدالله المهدی در قرن سوم و رفتن ناصر خسرو بلخی به دربار آنان در مصر و پذیرفتن مذهب اسماعیلیه و آمدن آن به حیث داعی و یا حجت در خراسان را به صورت مختصر در شماره گذشته آورده بودم که به اشتباه او را اولین حجت خراسان نگاشته‌ام ولی غیاث نام، که قبلاً یادآور شدم، اولین داعی بوده است که از ری وارد خراسان شده به تبلیغ و دعوت به مذهب اسماعیلیه پرداخته بوده است.

به هر صورت عبدالله المهدی در طول ۲۵ سال حکومت خویش تلاشهای فراوان را به خرج داد و داعیان بسیار را در کشورهای اسلامی فرستاد و گسترش

کردم که فعالیت او باعث خشم مذهب رسمی کشور گردیده و در نتیجه از بلخ فراری شده در کوه یمگان پناه برد و در مدت بیست سال دیگر در همانجا به دعوت پرداخت.

ناصر خسرو بلخی علاوه بر اینکه شاعر توانان بود و دیوان او خود شاهد بر این مدعاست او علاوه بر دیوان شعری دارای تألیفات دیگر نیز است که مجموع آن را تا بیست چهار جلد نوشته‌اند و از جمله کتابهای او که راجع به مذهب اسماعیلیه نوشته شده است: وجه‌دین؛ خوان الاخوان، زادالمسافرین، و جامع الحکمتین می‌باشد. که در آنها اصول عقاید اسماعیلیه و شیوه‌ی تأویل را در مذهب اسماعیلی تشریح کرده است.

مذهب اسماعیلیه مانند تمام ادیان و مذاهب جهان فراز و فرودهای فراوان دیده است کامیابیها و شکستهای بسیاری را طی نموده و تا به حال با وجود سرکوبیهای فراوان به حیات شان ادامه داده است و

بر هفت پیامبر اولی‌العزم معتقد هستند و ظاهر شریعت را به مثابه به اهل تصوف و در عین حال جالب تأویل و توجیه می‌کنند. در باب امامت و وصایت با شیعیان دوازده امامی هم عقیده می‌باشند اما راجع به مقام و درجه‌ی امام بین این دو فرقه‌ی مذهبی تفاوت‌های جدی وجود دارد.

یکی از عقاید مشترک و مورد اتفاق شیعیان اسماعیلی و دوازده امامی در این است که هر دوی این مذهب اعتقاد دارند که هیچگاه جهان نمی‌تواند خالی از حجت خدا باشد و حجت خدا در باور اینها همان امام عصر می‌باشد که اگر وجود آن از زمین خالی شود زمین اهل خود را نابود خواهد کرد. «لو لم یکن الحجة لفسد الارض.»

«لو لا الحجة لساحت الارض باهلها»

از دیدگاه مذهب اسماعیلیه دو نوع امام وجود داشته و دارد امام مطلق یا متوالی و امام قائم قیامت. مقام و مرتبه امام مطلق با مقام و مرتبه امام قائم قیامت متفاوت می‌باشد. به نظر مذهب اسماعیلی، پیامبران صاحب شریعت هفت امام متوالی داشته است که امام مطلق خوانده می‌شوند اما امامی که بعد از امام هفتم در هر دوره‌ای که آمده‌اند و امامت کرده‌اند، امام قائم خوانده می‌شود و مقام و مرتبت امام قائم از مقام امام مطلق و اساس بالاتر می‌باشد.

یکی از بارزترین عقیده‌ی مذهب اسماعیلیه موضوع تأویل است به این معنا که هر جهان هستی همه چیز دارای دو جنبه می‌باشد، یکی جنبه‌ی ظاهری و دیگر

رهبریت آن در دوران کنونی به دست سلسله‌ی آقاخان می‌باشد.

آقاخان اول نام حقیقی او محمد حسن بوده است و در دربار سلسله قاجاریه‌ی ایران از مقربان دربار و دارای مقام عالی سیاسی و داماد فتحعلی شاه قاجار بود و لقب آقاخان را فتحعلی شاه به او داد و این لقب تا به هم اکنون در آن خانواده حفظ شده و باقی مانده است.

آقاخان به جانشین فتحعلی شاه قاجار یعنی محمد شاه قاجار اختلاف پیدا نمود و سرانجام بعد از دو جنگی که بین او و محمد شاه قاجار به وقوع پیوست به هند مهاجرت نمود و در شهر بمبئی اسماعیلیان به اطراف او جمع شدند و دوباره به تبلیغ مذهب خود پرداختند و در زمان رهبریت او بر تعداد اسماعیلیان افزوده شد.

اینک آقاخان چهارم، به نام کریم آقاخان خوانده می‌شود که نواسه‌ی آقاخان سوم (سلطان محمد شاه) می‌باشد کریم آقاخان در سال ۱۹۳۶ بدنی آمده است و تحصیلات شان را در دانشگاه هاروارد آمریکا در رشته‌ی حقوق و فلسفه به پایان رسانیده است و در سال ۱۹۵۸ میلادی به عنوان چهل و نهمین امام اسماعیلیان نزاری به تشریفاتی خاص برگزیده شد.

عقاید اسماعیلیه

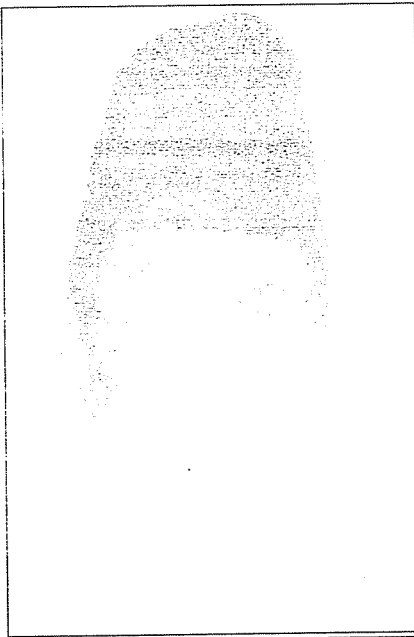
عقاید و آراء مذهب اسماعیلیه یکی از پراسرارترین عقاید در جهان است که دارای جنبه‌ی عمیق فلسفی و کلامی می‌باشد و

یکی از بارزترین عقیده‌ی مذهب اسماعیلیه موضوع تأویل است

به این معنا که در جهان هستی همه چیز دارای دو جنبه

می‌باشد، یکی جنبه‌ی ظاهری و دیگر جنبه‌ی باطنی می‌باشد و

قوام و حقیقت آنها به جنبه‌ی باطنی آنهاست



کریم آقاخان رهبر اسماعیلیه

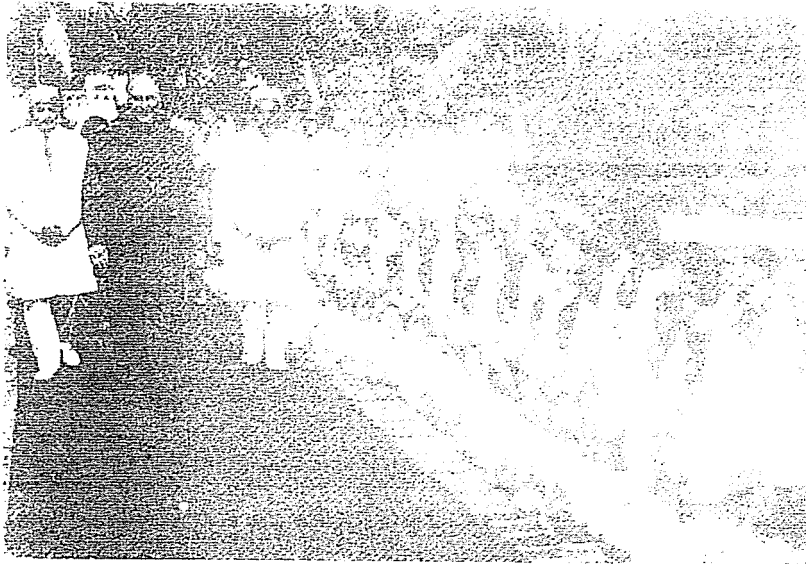
جنبه‌ی باطنی می‌باشد و قوام و حقیقت آنها به جنبه‌ی باطنی آنهاست قرآن نیز به همین گونه جنبه‌ی باطنی و ظاهری دارد. بنا‌ثا وصی نبی هم باید پیروان دین را اگر اهل تأویل باشند برای شان از تأویل گوید و اگر از اهل تنزیل (ظاهر) باشند ایشان را از تنزیل گویند.

به اعتقاد مذهب اسماعیلیه تنها پیروی کردن از ظواهر قرآن و انجام دادن احکام ظاهری دینی کاری بی‌هوده و لغو است چونکه عمل کردن به ظاهر و در ک نکردن معانی باطنی و حقیقی آن جز نادانی، چیز دیگری نیست.

حجت خراسان. ناصر خسرو بلخی، در اشعاری به همین موضوع اشاره کرده می‌گوید:

معنی طلب از ظاهر تنزیل چو مردم
خرسند مشو همچو خراسان قبول به اواز

دین را تن است ظاهر و تأویل روح اوست
تن زنده جز بروح به کیتی کجا شده است



نمایی از مراسم استقبال کریم آقا خان در پاکستان
(از هفته نامه «وجود» کراچی)

اینک به نمونه‌های از تأویل که در کتاب «وجه دین» حجت خراسان، ناصر خسرو، آمده است توجه کنید که شیوه‌ای از بینش مذهب اسماعیلیه را تبارز داده و ارائه می‌کند:

«معنای باطنی طهارت پاک کردن خویش است از کردار ظاهریان و وضو ساختن رجوع به علم امام است و شستن سر و دست و بینی و دهن معرفت داعی ذی لاق و معلم است ...

عقاید و آراء

مذهب اسماعیلیه یکی از پر

اسرازترین عقاید در جهان است

که دارای جنبه‌ی عمیق فلسفی و

کلامی می‌باشد

زنان و مشکلات ...

خانواده و تربیت آغاز گردیده، به روان و فکر زن تحمیل شده است، به آسانی از دست و پای زن‌ها باز نخواهد شد. در اروپا، یورس فلسفه‌های جدید و گوناگون من جمله اومانسیم بر باورهای سنتی خط بطلان کشیده و زن اروپایی بسیار به مشکلات هویت کم شده‌ی خود به دست آورد اینک در کشور ما که امروز از زن و حقوق زن صحبت می‌شود و رسانه‌های همگانی آن را تکرار می‌کنند. بدون حمایت‌های فلسفی ایندولوژیکی‌اند و سرانجام به کجا منتهی می‌شود. ما از آن چیزی نمی‌دانیم و آنقدر احساس می‌کنیم که سرانجام در روند حاکم بیروزی از آن زنیاست و نه سنت گزایان اجتماعی.

زنان نیز مانند مردها

موجودات بشری هستند بنائاً

باید از آزادی‌هایی که مردان

بهره می‌برند، زنان نیز

بهرمند گردند

عقاید اسماعیلیه و فلسفه‌ی تاریخ آن در فاصله‌ی زمانی وفات اسماعیل بن جعفر صادق تا تشکیل خلافت فاطمی اسماعیلی در مصر که مدت صد و پنجاه سال را در بر می‌گیرد، تدوین یافته است و شخصی به نام عبدالله بن میمون فلاح که یکی از داعیان زیرک و دانشمند عالی رتبه‌ی اسماعیلیه بوده است در راه تدوین و تکوین آراء و عقاید اسماعیلیه و گسترش آن به جدیدت تلاش نموده و آنرا اشاعه داده است.

به هر حال اگر حمایت ترکان سلجوقی از خلفای عباسی نبود، به شهادت تاریخ امروز مذهب اسماعیلیه مذهب رسمی تمام عالم اسلام می‌گردید.

معنی تیمم یعنی در جایی که حجت نباشد از داعی و معلم و ماذون باید اطاعت کرد ... معنی ظاهری صلاه (نماز) که پیوستگی است معنی باطنی آن پیوستگی است به معرفت امام حق و دین حق و دراز کردن گردن در حالت قیام در نماز از طریق تأویل شناختن مردم است داعی را، و هر که این اسرار شریعت را بداندست به حقیقت رسید و چون به معرفت امام پیوست به صلوات دائم که الذین هم علی صلواتهم دائمون باشد رسید و حکم ظاهر از او بر خواست ...

معنی صفت قیامت که یوم تبلی السرائر است عبارت از مسجد جامع هر حجت است که آنجا مردم گرد آیند و معنی باطنی قبله آنکه همه باید روی با حجت کرد، او را روی بر امام. معنی باطنی روزه آنکه تقیه کنی و دین و دعوت از مخالفان نگهداری.

معنی باطنی حج بیرون شدن است از اعتقادی که اول در آن بود، و منزل به منزل از مرتبه مستجیب تا حجت و لیبیک گفتن. قبول داعی کردن است.

قابل یادآوری است که بناء و اساس اولیه





نکاتی پیرامون مذهب در افغانستان

مشکلات تاریخی محکم گرفته‌اند.

۲

مشکلات تاریخی

اسماعیلیه‌ها در افغانستان

مشکلات تاریخی که اسماعیلیان در افغانستان به آن مواجه بوده‌اند خصوصاً از زمان برکناری نصر دوم، صفر بن احمد، سامانی توسط پسرش آغاز یافت که قتل عام وحشتناک اسماعیلیه‌ها در بخارای آن زمان رخ داد، در این حادثه‌ی المناک، فیلسوفان خیلی معروف دنیای اسلامی - اسماعیلی، محمد بن احمد النفی یا (یانخشبی) و احتمالاً ابویعقوب سجستانی به قتل رسیدند و شاعرا معروف زبان دری، رودکی، نیز چشمانش را از دست داد. و این سلسله‌ی وحشت از جانب قدرتها و نظامهای استبدادی و ارتودوکسی همواره در مورد اقلیتهای مذهبی و قومی در طول تاریخ در این کشور اعمال می‌گردیده که وارد شدن به

سوالاتی را به محترم علی‌شاه صبار مسئول فرهنگی اقلیت مذهبی اسماعیلیه‌های کشور ما، مطرح نموده بودم که نامبرده قبول زحمت نموده مطالب ذیل را در اختیار مجله‌ی «قربانیان و عدالت» قرار داده است.

۱

سابقه‌ی تاریخی و

موسس مذهب اسماعیلیه

در باره‌ی سابقه‌ی تاریخی مذهب شیعه‌ی امام اسماعیلی فقط به همین موضوع اکتفا خواهد شد، زمانیکه انسانی و یا جمعی خود را مسلمان می‌دانند و از اصول اسلامی اطاعت و پیروی می‌نمایند، دقیقاً که دیگر ضرورتی به شناخت موسس و معلوم نمودن سوابق تاریخی وجود ندارد. حضرت محمد مصطفی (ص) به پیغمبری مبعوث گردید و بعد اسلام عزیز عرض وجد نمود و تا اکنون با وسعت بی‌نظیر زندگی دارد. در اسلام شعبات و فرق مختلفی در طول تاریخ به میان آمد. از جمله شیعیان علی (ع) شیعیان اموی شیعیان بحالی و غیره و بعداً به گروه‌های دیگر، که این فرقه‌بندی عمدتاً نام‌های خاص اهل تشیع و اهل تسنن را در عرصه اجتماع و باوری آورد، سپس این بخشهای بزرگ

زمانیکه انسانی و یا جمعی خود را مسلمان می‌دانند و از اصول

اسلامی اطاعت و پیروی می‌نمایند، دقیقاً که دیگر ضرورتی به

شناخت موسس و معلوم نمودن سوابق تاریخی وجود ندارد

جزئیات هر حادثه، نگارش کتابهای را می‌طلبد.

۳

باورهای کلامی و اخلاقی اسماعیلیه‌ها

در باره‌ی باورهای عقیدتی و اخلاقی جماعت اسماعیلیه، به صورت موجز و فشرده باید گفت که برای یک مسلمان مؤمن، اعتقاد بلاشروط و قید به وحدانیت خداوندی، ایمان راسخ به فرستاده‌ی او حضرت محمد مصطفی(ص) در میان نوع بشر که در کلمه‌ی شهادت لا اله الا الله محمد رسول الله تسجیل شده و اعتقاد به احکام قرآنی که بر مبنای آن مسأله‌ی امامت در دنیای اسلام به شکل یک اصل عمده‌ی دیگر اسلامی حکم شده است، از جمله‌ی اعتقادات اساسی اسلامی - اسماعیلی این جماعت است.

از لحاظ اخلاقی اسماعیلیه‌ها به این باورند که اگر مسلمانی، خود را از بعد اخلاقی و آنهم اخلاق اجتماعی پاکیزه نسازد، هیچ نوع طاعت و عبادت او به حضور خداوند متعال قابل قبول و عفو نخواهد بود. بناً اسماعیلیان مانند همه‌ی مسلمانان، از دروغ، دزدی، فسق و فجور، نفاق آدم کشی، غارت، یاغی‌گری و سایر اعمال رذیله، خیلی زیاد خود را بدور نگه می‌دارد و در تعلیمات دینی خویش نیز این را جزء سیاست آموزشی خود می‌داند.

۴

توقعات اسماعیلیه‌ها در کشور از نظر سیاسی و اجتماعی

اسماعیلیه‌ها در افغانستان، در میان

هموطنان سنی و شیعه‌ی خویش و در میان اقوام مختلف زندگی می‌کنند، بناً سرنوشت شان با سرنوشت مردم افغانستان گره خورده، اگر مردم افغانستان خوش و سعادتمند هستند، اسماعیلیه‌ها نیز به مثابه‌ی اتباع این کشور در این سعادت و خوشی شریک‌اند، و اگر مردم ما مبتلا به مصیبت‌اند، اسماعیلیان از آن بدور نخواهند بود. شرایط فعلی جامعه‌ی افغانستان، نسبتاً دموکراسی را به بار آورده

از لحاظ اخلاقی

اسماعیلیه‌ها به این باورند
که اگر مسلمانی، خود را از
بعد اخلاقی و آنهم اخلاق
اجتماعی پاکیزه نسازد، هیچ
نوع طاعت و عبادت او به
حضور خداوند متعال قابل
قبول و عفو نخواهد بود

که در چنین فضایی اسماعیلیان هم زندگی خوبی خواهند داشت.

۵

قانون اساسی و حقوق اقلیت‌های مذهبی و قومی

در واقعیت، اسماعیلیه‌ها در کشور، از لحاظ زندگی اجتماعی، آنقدر زیاد در محدودیت شدید قرار نداشته‌اند. مراکز عبادی خود را داشته و دارند، در فعالیت‌های اجتماعی با در نظر داشت اهلیت و شایستگی خویش سهم گرفته در صورت روا داری جای خود را می‌توانند

بگیرند.

آنچه که همواره مورد اندیشه بوده، مسأله‌ی احکام قوانین از لحاظ شرعی بود است که بصورت کلی بر مبنای قوانین یک مذهب بخصوص اسلامی شکل گرفته بود که در آنصورت متباقی اقلیت‌های مذهبی از حقوق خویش محروم مانده بودند. ولی اکنون مقداری از این مسایل در قانون اساسی جدید، روشن تر مطرح شده و انفاذ یافته است که اسماعیلیان نیز احساس می‌کنند در کشور فضای خوبتر بوجود آمده است.

ولی چیزیکه خیلی مهم است، فرهنگ اجتماعی است، همانگونه که اسلام خود بزرگترین و عالی‌ترین فرهنگ و مدنیت بشری است، پس اگر ما مردم با فرهنگ و یا مدنیت داشته باشیم، بدترین قوانین نیز ناکاره خواهد بود. ولی اگر سطح فرهنگ عمومی جامعه در حد نازل باشد، در آنصورت خوبترین قانون هم هیچ دردی را مداوا نخواهد کرد.

۶

موجودیت اسماعیلیه‌ها در میان اقوام و ملیت‌های افغانستان

در کشور، برای صنف بندی قومی، تا جایی که معلومات موجود است، علاوه از تاجیکها و هزاره‌ها، به تعداد محدودی در میان سایر قومهای کشور از جمله در میان پشتونها، نیز پیروان اسماعیلی وجود دارند که در این کشور زندگی می‌کنند.



ساختار اجتماعی و روند تکامل تاریخی جامعه نورستان

❖ محمد اکبر شور ماچ

دلچسپی خاصی از خود نشان داده‌اند، و سرزمین و جامعه‌ی آنرا به حیث بهترین نمونه و مثال و به مثابه‌ی لابراتوار مطالعات مسائیل انستروپولوژیک (Anthropological) اتنولوژیک (Athnologic) سوسئولوژیک (Sociological) و جامعه‌شناسی تاریخی (Historical-sociology) دانسته، مقالات، رساله‌ها، کتب متعدد و با ارزش راجع به اوضاع مردم نورستان به رشته‌ی تحریر آورده‌اند و آثار سودمندی از خود بجا گذاشتند، با این مطالعات ارزشمند خود، ثابت ساختند که مطالعات و پژوهشهای علمی در مورد جامعه‌ی نورستان و شناخت ساختار اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و دیگر مسایل زندگی مردم آن از اهمیت خاص و ارزش بزرگ میتودیکی جامعه‌شناسی علمی برخوردار بوده و با مراجعه به این آثار، در مجموع می‌توان به بهترین وجه صورت بندی و دوره بندی تاریخی جامعه‌ی نورستانی را تعیین کرد و تثبیت، به آن پی برده یقین حاصل نمود مبنی بر اینکه جامعه‌ی قبلی از اسلام نورستان در سطح منطقه و جهان یکی از

باقی مانده خصوصیات اجتماعی و تاریخ ماقبل‌التاریخ را حفظ نموده‌اند. نمونه و مثال برجسته‌ی این چنین جامعه‌ی ابتدایی را در جامعه‌ی قبلی از اسلام نورستان به خوبی مشاهده کرده می‌توانیم، و حتی آثار و بقایای آن در جامعه‌ی کنونی نورستان نیز به وضاحت دیده می‌شود.

از زمان باستان تا نیمه‌ی اول قرن نوزده، هیچ یکی از افراد و شخصیت‌های علمی، سیاسی، نظامی، مذهبی داخلی و خارجی افغانستان، به ساحه‌ی نورستان پا نه نهاده و در مورد واقعیتها و حقایق نظام اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و غیره و مسایل و امور زندگی مردم آن کدام معلوماتی حاصل نکرده و اثری از خود بجا نمانده‌اند. ولی از نیمه‌ی دوم قرن نوزده به این سو، سیاحین، مستشرقین، نظامیان، مورخین، جامعه‌شناسان، باستان‌شناسان، دانشمندان و غیره، با لباس و چهره‌های مختلف، جهت برآورده ساختن مقاصد و اهداف خود به صورت جسته و پراکنده، به داخل نورستان راه یافتند و راجع به مسایل مختلف زندگی مردم آن، علاقه و

یکی از اهداف نشراتی ما معرفی اقلیت‌های ملی و مذهبی جامعه‌ی ما است که در همین راستا برای معرفی میوطنان نورستانی خود مقاله‌ای را از مجله تعارف به نام محرم اکبر شور ماچ بر گرفته و برای خوانندگان «قربانتان و عدالت» تقدیم می‌کنیم.

از آنجایی که زمین جولانگاه تاریخ انسان بوده و زندگی تاریخی آن به تدریج در نواحی معینی تمرکز یافت، و کانونهای تمدن بشری در آن ایجاد و از آنجا به سیر خود ادامه داد و کانونهای جدید تمدن یکی پی‌دیگر در نواحی مختلف جهان بوجود آمده است. این سیر و حرکت روند تکامل تاریخ مانند دوران خون در وجود جامعه‌ی بشری به انتشار خود ادامه داد و سر تا سر جهان بشری را فراگرفت. با وجود این حرکت پر ماجرای تاریخی جوامع بشری، هنوز جوامعی در جهان وجود داشته‌اند که تا حال از مزایای تمدن که داعیه مشروع و ضرورت اساسی جامعه انسانی است، بهره‌ی لازم نگرفته و به همان وضع و حالت ابتدایی و بدوی خارج از حوزه و مدار تاریخ جهان،

تا اخیر قرن نوزده در مرحله کمون خانواده‌های پدرشاهی قرار داشتند، که از اتحاد آنها کمونهای روستایی تیپ آسیایی، دهکده‌های جداگانه بوجود می‌آمد. در هر کمون که روستا به اساس تقسیم جدی مردان به مالداري، شکار و تامین دفاع و امنیت، و زنان به زراعت و کارهای خانگی که عموماً کار و پیشه آزادگان را تشکیل می‌داد، بوده است. محکومان (برده و غلام)

بخشی از ملکیت لاینفک کمون بوده. در این نوع کمونها، بخش اعظم کار به صورت دسته جمعی صورت می‌گرفت. علاوه بر آن پیشه‌وری و زراعت با هم پیوند داشت و تقسیم کار اجتماعی میان کمونهای جداگانه صورت نگرفته و یا نهایت ضعیف بوده است. «(۵) نورستانیهای (ق، ۱) در اثر عدم ارتباط و اختلاط خون آنها با قبایل اجنبی، اصالت کامل آریایی خویش را حفظ

جوامع قدیمی و باستانی بوده سابقه‌ی تاریخی مردم آن هزاران سال به عمق زمان باستان پیش می‌رود. به استناد و تکیه به این بررسی‌ها، جامعه‌ی نورستان (ق، ۱) از لحاظ مرحله و دوره بندی تاریخ، به جامعه‌ی قبل‌التاریخ (ماقبل جامعه‌ی طبقاتی) مطابقت کلی داشت. جهت اثبات این گفته‌ی بالا، ما نظر تعدادی از نویسندگان و دانشمندان و پژوهشگران داخلی و خارجی را به صورت خیلی کوتاه و فشرده جمع بندی نموده، به خوانندگان محترم پیشکش می‌نماییم.



نمایی از خانه‌های رهایشی مردم نورستانی

مورخ شهیر کشور احمد علی کهزاد می‌نویسد: «آریایی که در بدخشان علیا و در همان نورستان اقامت دارند، به نام «هوموالپینوس» یا تیپ کوهستانی یاد می‌شوند و در مورد آنها اصطلاح آریاهای کوهستانی خوبتر تطبیق و تلفیق می‌شود. آنها عموماً بین سالهای (۱۹۰۰-۱۴۰۰) قبل از میلاد مسیح به دو طرف هندوکش جابجا و مسکن گزین شده‌اند.» او یاد آوری می‌کند زمانی که آریاها در جنوب شرق و آریانا مستقر بودند (کست) یا دسته بندیهای اجتماعی را که بعدها در هند بوجود آمد، نمی‌شناختند، مفهوم طبقات روحانیون، جنگ جویان، دهاقین و توده‌های عوام در بین شان و جود نداشت (۴). در مورد صورت بندی اجتماعی نورستان (ق، ۱) چنین آمده است: «قبایل نورستان تا اخیر قرن نوزده عمدتاً به شکل کمونها تیپ آسیایی در دهکده‌های جداگانه متکی به خود حیات بسر می‌برند.

به پیشه‌وری و صنایع دستی (خانگی) مشغول بوده و با پدید آمدن نطفه‌های نظام بردگی و رشد بعدی آن، در جامعه‌ی قبیلوی پدرشاهی نورستان (ق، ۱) بیانگر سیر تکامل کلاسیک ولی نهایت بطی و تدریجی بوده است، بنائاً پیروسی جایگزینی فرماسیون طبقاتی مدت طولانی را در بر گرفته است. در نورستان (ق، ۱) مالکیت اجتماعی کمونها روستایی بر باغها، جنگلات، چراگاهها، تا حدودی هم بر زمین و کار دسته جمعی در زراعت، عرف و سنن شیروار (پی‌واز) که به ۸ زبان نورستان (په لی) (pley) گفته

نمودند» به وضاحت دیده می‌شود که ابزار کار و شیوه‌ی تولید زراعتی در قبایل نورستان (ق، ۱) نهایت بدوی و مربوط به مراحل متوسط بربریت و آغاز دوران عالی بربریت بوده است.»

در نورستان (ق، ۱) پیوند مالداري با زراعت و صنایع خانگی باعث استقلال و خودکفایی و در نتیجه عامل اساسی زیست طولانی آنها گردید و در واقعیت امر، قبایل نورستان (ق، ۱) با حفظ مناسبات زیست دوران بربریت به قرن بیستم ارتباط داده شدند.» مختصر این که: نورستانیهای (ق، ۱)

مرحله‌ی کمون آسیایی در واقعیت امر عبارت از شکل تغییر یافته اشتراک طبیعی است که در زمان تکامل تاریخی کمون اولیه حاکمیت داشت. اساس کمونهای آسیایی را ملکیت جامعه بر زمین تشکیل می‌داد. سهم زمین خانواده‌ها جداگانه،

معاهده‌ی (۱۸۹۳) نورستان‌ها را از انزوای تاریخی بیرون آورده شدند.

انگلیسی‌ها و امیر دست‌نشانده‌ی آن (عبدالرحمان خان) سرزمین نورستان را بی‌صاحب (No man's land) و مردمش را بی‌سرنوشت پنداشتند، و بدون آگاهی قبلی مردم آن، دست به اقدام و معامله سیاسی استعماری زدند، و آنرا به قلمرو امیر عبدالرحمان خان شامل ساختند. نتیجه و ارمغان این معامله سیاسی و رویداد تاریخی آن (اشغال نورستان) که برای مردم نورستان، به مثابه‌ی نقطه عطف تاریخ شمرده می‌شود. (در شماره‌ی اول، حمل و ثور سال هفتم، مجله‌تعاون به صورت نهایت فشرده توضیح و به دست‌نشر سپرده شده است. خوانند محترم می‌توانند به آن مراجعه و حل‌مطلب نمایند.)

و من الله توفیق



منابع و مأخذ:

- ۱- میتولوژی تاریخ، منتشره آکادمی علوم افغانستان، مرکز علوم اجتماعی، انستیتوت تاریخ، صفحه ۴۰.
- ۲- تاریخ جهان باستان، هیئت‌ی از دانشمندان روسی زیر نظر وس دیاکونوف، چاپ سوم اندیشه سال ۱۳۵۲، تهران، صفحه ۹-۱۰.

قدیمی و باستانی (قبل‌التوارخ) در جامعه‌ی نورستان (ق. ۱).

- شکل و سیمایی از ساختار و شاخصه‌های اجتماعی قدیمی (طبقات و اقشار اجتماعی)

- نمونه‌های از معتقدات، مراسم، و عنعنات اجتماعی قدیمی که از شیوه‌ی قبل‌التاریخ نمایندگی می‌کرد

- در میتولوژی، زبان و ادبیات (سرودهای مذهبی، رجز و مرثیه‌ها، اشعار حماسی و بزمی) که ممثل قدیمی‌ترین طرز تفکر و اندیشه و باورها ساده ابتدایی تاریخی جامعه قدیمی بوده است

- در نوع سرگرمیها و مشغولیتها عادی و معمولی زندگی روزمره مردم؛ مانند: ورزش و تربیت بدنی بازیها و رقصها و غیره مصروفیتهای عادی مروج و معمول قدیمی و ابتدایی در جامعه نورستان آن زمان

- در نوع آلات و افزار موسیقی که نمونه‌ی هارپ آن در چهار هزار سال قبل وجود داشته و نواخته می‌شد.

- طرز لباس و اقمشه، ظروف، گاه شمای ابتدایی که یک سال را به شانزده و هژده ماه و حتی بیشتر آن تقسیم و محاسبه نموده بودند. نمونه و مثال آن تا امروز بین مردم نورستان معمول و مروج است.

- مراسم و تجهیز و تدفین میت، در جامعه کافری (نورستان قبل از سال ۱۸۹۶) که در قدیمترین دوره تاریخ جهان معمول و متداول بوده است. (۸)

این همه نمادهای باز مانده از فراسوی تاریخ باستان که در واقعیت امر، تاریخ مردم نورستان دور مانده از مدار، روند تکوین تاریخ جهان را تشکیل داده بوده، به اثر تثبیت منافع استعماری انگلیس و شخص امیر عبدالرحمن خان و اقدام به امضای

می‌شود، وهم حفظ نم‌ویژه‌ی اداره‌ی دهکده با مالکیت خصوصی خانواده‌ها بر مواشی، قطعات کوچک زمین‌های زراعتی، تلفیق کلی داشته و بعضی آثار و علائم آن تا امروز در جامعه‌ی نورستان خصلت انتقالی ویژه‌ای بخشیده بود.

کارلتون کان (Corleton, Coon) در کتاب به نام «قدمت دوره‌ی تاریخی مردم نورستان را چنین توضیح داده است: از دوره‌ی تمدن فلزی مردمان اولیه هند و اروپایی چیزی نمانده است. به هر حال، اگر ما از پاره‌ی افزار آهنی و بعضی صلاحها و اشیای جزئی چشم‌پوشیم، ما می‌توانیم خلاصه از وضع تمدن فرهنگی قدیمی یک دسته از مردم هند و اروپایی را شرح دهیم.

این تمدن قدیمی مربوط به اقوام بت‌پرست حوالی هندوکش می‌باشد که آنرا طایفه‌ی کافری می‌خوانند، این کافران تا سال (۱۸۹۶) میلادی، بت‌پرست بودند، (در باره‌ی بت‌پرست نبودن نورستانیه‌ی آنوقت، این جانب در کتاب «نورستان در گستره‌ی تاریخ» به تفصیل صحبت کرده‌ام) و امیر عبدالرحمن خان آنها را به دین اسلام آورده. (۶)

در کتاب اقتصاد روستایی نورستان چنین اشاره به عمل آمده است: «بررسی تعداد کثیری از دانشمندان اروپایی و آسیایی، در حین مطالعه و بررسی و کاوش موضوعات اجتماعی، و فرهنگی مردم نورستان، نمونه و آثار و علائم و شواهد، ساختارها، خصلتها، کرکتر و باورهای اجتماعی و تاریخی جوامع باستانی (قبل‌التاریخ) را در جامعه‌ی نورستان (ق. ۱) دریافت نموده‌اند. که هر کی از آنها نمایانگر و مصداق واقعی مشخصات فرهنگ و تاریخ قدیم جامعه نورستان پیش از سال (۱۸۴۹) بوده است.

- موجودیت نمونه‌ای از نوع خانواده

جنگ بوش در

یازده سپتامبر ۲۰۰۱ روز سه شنبه ساحل مشرقی آمریکا یک روز آفتابی بود، نسیم ملایم می‌وزید، آسمان نیلگون به نظر می‌آمد. در این صبح رئیس (CIA) جورج تنیت برای رئیس جمهور بوش تازه‌ترین گزارشات مخفی را راپور نداده و به جای آن جورج تنیت ۴۸ ساله، در شمال کاخ سفید در هتل سینت رجس همراه شخصی صبحانه می‌خورد که باعث ارتقای رتبه‌ی او در دنیا جاسوسی شده بود. این شخص دیوید بورن سناتور دموکرات سابق اوکلاهاما بود. آن دو سابقه‌ی دوستی ۱۳ ساله داشتند. آن وقت جورج تنیت یک کارمند میانه درجه‌ی کمیته استخبارات مخفی بود و ریاست آن کمیته را دیوید بورن در اختیار داشت.

بورن در اختصار نویسی و بیان کردن صلاحیت‌های غیر معمولی تنیت را نسبت بر دیگران ترجیح داده و از میان کارمندان خود او را به حیث مدیر کارمندان اداره‌ی خود انتخاب کرد. این یک چنان وظیفه‌ای بود که به لحاظ آن جورج تنیت به تمام رازهای ملت آمریکا دست یافت.

در سال ۱۹۹۲ بورن رئیس جمهور نو انتخاب شده «بیل کلنتن» را تحت فشار گذاشت که او تنیت را به حیث رئیس اداره‌ی اطلاعات و استخبارات مقرر کند. یکسال قبل از این تنیت را مدیر کارمندان کونسل محافظ ملی مقرر کرده بودند. بنا بر این جورج تنیت وظیفه دار بود که تمام راپورها و رازهای پنهانی را در کاخ سفید دریافت کند.

در سال ۱۹۹۵ بل کلنتن جورج تنیت را معاون ریاست (CIA) مقرر کرد و دو سال بعد او به حیث رئیس مرکزی استخبارات (DCI) ارتقا یافت و همین

نوشته: باب ودوارد (Bob wood ward)

ترجمه و تلخیص: ج. علی اوحدی

بوش در جنگ نام کتابی است که توسط یکی از روزنامه نگاران برجسته‌ی آمریکایی، آقای باب ود وارد بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ مبنی بر جلسات و تصمیمات اتخاذ شده‌ی کابینه‌ی بوش و تدارک حمله بر القاعده و طالبان در افغانستان به تحریر درآمده است. از آنجائیکه این کتاب شامل بخشهای حساسی از تاریخ جدید افغانستان می‌باشد، بناً تصمیم گرفته شد که بخش‌هایی از آن را ترجمه کرده و در اختیار علاقه‌مندان قرار دهیم.

طور در تمام آمریکا ریاست استخبارات و (CIA) را عهده‌دار شد.

جورج تنیت بی‌نهایت شخص زحمت کش بود وقتی که او مدیر اطلاعات امنیت ملی (NSC) بود مورد حمله‌ی قلبی قرار گرفت. در دوره‌ی دوم ریاست جمهوری کلنتون وقتی که او را دایرکتر (CIA) موظف کرد او را بی‌نهایت یک شخص قهری تصور نموده بود. او یک مرتبه در عالم قهر از جلسه‌ی (پرنسپل کمیته) بر خواسته و جلسه را ترک گفته بود، در حالی که در آن جلسه وزیر خارجه و وزیر دفاع هم موجود بودند.

در اوایل سال ۲۰۰۱ رئیس جمهور نو منتخب (جورج دبلیو بوش) جور تنیت را در پست ریاست (CIA) باقی گذاشت.

جورج تنیت «انتلیجنسی» (اطلاعات استخباراتی) را اهمیت بیشتر داد و بنابر آن بودجه‌ای را برای تربیت مأمورین و اجنت‌های مخفی در کشورها و حکومت‌های دیگر اختصاص داد...

تحریک جورج تنیت بر (case officers) دو باره اهمیت پیدا کرد. در دهه‌ی ۱۹۹۰ مرکز مخفی (دی فارم سی. آی. آی) در ویرجینیا ۱۲ افسر را علاوه بر یکسال تحت تربیه گرفت. در سال ۲۰۰۱ در این کمپ ده چند (case officers) تربیت یافتند. شعبه‌ی مهم (هیومنیت سی. آی. آی) را توسعه داد و امکانات مخفی را اضافه کرد. تمام این سرگرمیها در زمان کلنتون هم تداوم یافت.

در همان صبح یازده سپتامبر بون در تنیت پرسید: شما در این روزها چرا پریشان به نظر می‌آیید؟

تنیت پاسخ داده و گفت: من از اسامه بن لادن پریشان می‌باشم.

او تصور می‌کرد که اسامه بن لادن دست به عملیات وسیع خواهد زد.

بون گفت: تنیت! چگونه یک شخص

از کشور دیگری بدون وسایل بر یک کشوری مثل آمریکا خطر ایجاد کرده می‌تواند؟

جورج تنیت جواب داد: شما درک طریقه‌های کار و صلاحیت‌ها و مؤثریت او را تخمین کرده نمی‌توانید.

بون در این تصور بود که در دولت او راجع به اسامه بن لادن یک واهمه آفریده است. کمی قبل از سال ۲۰۰۰ جورج تنیت به بون مشورت داده بود که در شب سال نو در کدام اجتماعی مردمی شرکت نکنند و نه اقدام به کدام سفری توسط طیاره نماید. چون که ممکن است در این وقت کدام حمله‌ی گسترده صورت گیرد.

بعد از این جورج تنیت در این اندیشه بود در چهارم جولای ۲۰۰۱ کدام حمله خواهد شد. با آنهم او در این باره به بون چیزی نگفت. نمایندگان (سی. آی. آی) و چهارم پیغام خصوصی را دریافت کرده بودند که مبنی بر گفتگوهای میان همکاران اسامه بن لادن بود. از آن پیغام‌ها، (سی. آی. آی) به این نتیجه رسیده بود که این عملیات در روزهای آینده و یا در آینده‌ی نزدیک صورت خواهد گرفت. از گزارشات مختلف و بررسی نقل آنها تخمین گردید که در کشوری بر سفارت خانه‌ی آمریکا حمله شده و یا جهانگردان آمریکایی هدف فرار خواهد گرفت. با آنهم بر اینتلینجنس مشکل بود که نوعیت حمله، جای و شیوه‌ی عملیات آن را تعیین کرده و بدانند. اگر چه حمله صورت نگرفت، لیکن این مسئله، مسئله‌ای بود که خواب را در چشمان جورج تنیت حرام کرده بود.

گفت‌وگوهای جورج تنیت و بون ادامه داشت که چند محافظ تنیت با قدم‌های سریع خود را به او نزدیک کردند. یکی از آنها گفت: آقای رئیس کدام مسئله‌ی بسیار سنجیده‌ی اتفاق افتاده است. جورج تنیت پرسید: چه مسئله‌ای

است؟

گارد جواب داد: برج تجارت جهانی مورد حمله قرار گرفته است.

یکی از آنها سل‌فون را به جورج تنیت داد. تنیت به دفتر مرکزی (سی. آی. آی) صحبت کرد. جواب شنید که طیاره به ساختمان مرکز تجارت جهانی برخورد کرده است. بعد جورج تنیت هدایت داد که شخصیت‌های ممتاز (سی. آی. آی) در اتاق جلسه جمع شوند و گفت من در پانزده تا بیست دقیقه به آنجا می‌روم.

تنیت به بون گفت: این عمل را به یقین بن لادن انجام داده است.

تنیت به این فکر نیز بود که (سی. آی. آی) و (اف. بی. آی) مورد انتقاد شدید قرار خواهد گرفت که برای جلوگیری از حمله در وظایف شان ناکام گردیده‌اند.

تنیت گفت: من حیرانم که آن پیلوتهایی را که آمریکا تربیت کرده، به چه قسم از عملش باز داشته می‌توانستیم. حرف او متوجه ذکریا موسوی بود که یک تبعه‌ی فرانسوی مراکشی نژاد است و (اف. بی. آی) یک ماه قبل او را از بنی سوتا گرفتار کرده بود. او در یک تعلیم گاه محلی تعلیم پرواز، حرکت‌های مشکوک را مرتکب شده بود که باعث اشتباه (اف. بی. آی) شده و بازداشت گردیده بود و تمام ماجرای قضیه‌ی موسوی در ذهن جورج تنیت موجود بود.

در ماه اگست (اف. بی. آی) به (سی. آی. آی) و نمایندگی امنیت ملی گفته بود که آنها از تلفونهای موسوی که با بیرون تماس گرفته بود به شک افتاده بودند. در این سلسله (اف. بی. آی) تحقیقات را که از فعالیت‌ها و مصروفیت‌های موسوی انجام داده بود به قطر پانزده اینچ دوسیه را تشکیل می‌داد.

جورج تنیت ... از آن هتل بیرون شد و در ذهنش خورد و ریز اقدامات علیه دهشتگردهای را می‌پخت.

در بخش نیروی مخصوص آمریکا و زیردریاییهایی که موشک کروز را فیر کرده می توانستند دستور آماده باش داده شد. در محلی که اطلاع داده شود که اسامه بن لادن کم از کم ۶ تا ۱۰ ساعت قبل در آنجا بوده است حمله صورت گیرد.

یکی از مهمترین رازهای (سی. آی. ای) این بود که سی نفر افغان را به حیث اجنت استخدام کرده بودند که جا و محل اسامه بن لادن و نقل و انتقال او را اطلاع دهند. آنها سه سال مسلسل سرگرمیها و فعالیتهای اسامه را گزارش داده و ماهانه ده هزار دالر



جلسه کابینه ی بوش یک روز بعد از حادثه ی ۱۱ سپتامبر

حقوق می گرفتند. آنها با دسته های پنج نفری و یا مشترکاً کار می کردند. سی. آی. ای روزانه با آنها تماس می گرفت، موترها و مترسایکلها را برای آنها فراهم کرده بودند. لیکن نشان دادن اسامه بن لادن بی نهایت کار مشکل بود، زیرا او بسیار زود زود جایش را تغییر می داد و اکثر شهبها ناگهان از جای جدیدش اقدام به مسافرت می نمود. بدین گونه از چشمان اجنت های افغان سی. آی. ای پوشیده می ماند که تا اطلاعاتی را فراهم کند که اسامه بن لادن تا چه مدتی در آن جا اقامت خواهد کرد، که موشکهای کروز سر موقع در آن محل اصابت نماید.

از همه مسئله ی مهم برای (سی. آی. ای) این بود که نتوانسته بودند در حلقات نزدیک به اسامه بن لادن اجنت قابل اعتماد را استخدام نمایند که راجع به اقامتگاه دوم او اطلاع درست داده می توانست.

در اداره ی کلنتون افراد بسیار بودند که اطلاعات اجنت های افغانی را نمی پذیرفتند زیرا که بسیار وقتها از طرف اجنت های افغانی اطلاعات مختلف و متضاد

ملی از عملیات بسیار خطرناک بحث و مذاکره صورت گرفته بود. یکی از راهها و پیشنهادها که در نظر گرفته شد این بود که در شب توسط هلیکوپتر چهار نفر نیروی مخصوص نظامی را برای دستگیری اسامه بن لادن در مقر وی پایی نمایند که این هلیکوپتر ضرورت به تبدیل مواد سوختی را در فضا داشت، چونکه ۹۰۰ مایل پرواز آنرا ایجاب می کرد و برای کامیابی آن نیرو شک های اظهار شده بود زیرا در سال ۱۹۸۸ به دستور رئیس جمهور کارتر برای نجات گروگانهای آمریکایی در ایران چندین طیاره در ریگستانهای ایران سقوط و تباه شده بودند. و همینطور در سال ۱۹۹۳ در سومالیا دو هلیکوپتر بلیک هاکس آمریکا توسط شورشیان مسلمان سقوط داده شده و ۱۸ نظامی آمریکایی را به قتل رسانده بودند.

در روشنی این تجزیان این شک وجود داشت، که این نوع عملیات علیه اسامه بن لادن ممکن است موفقانه نباشد. و به پیمانهای وسیعی کماندوهای آمریکایی هلاک و یا زخمی گردد.

از پنج سال قبل (سی. آی. ای) به دنبال اسامه بن لادن افتاده بود. در سال ۱۹۹۸ که در سفارت خانه های آمریکا در کشورهای کنیا و تانزانیا انفجارات بم صورت گرفت، از آن به بعد عملیات علیه اسامه بن لادن به صورت مخفی افزایش یافت.

در آن وقت رئیس جمهور آمریکا بل کلنتون حکم فیر موشکهای کروز ۶۶ را در افغانستان برای ارتش آمریکا صادر کرد که هدف آن در افغانستان کمپ تربیتی نظامی اسامه بن لادن بود. طبق اطلاعات اسامه بن لادن در آن کمپ موجود بود و با آنها اسامه بن لادن جان سالم بدر برده و چند ساعت قبل از حمله آنجا را تارک گفته بود.

در سال ۱۹۹۹ (سی. آی. ای) تربیت ۶۰ کماندو را مخفیانه در پاکستان برای شروع عملیات روی دست گرفت تا در افغانستان اسامه بن لادن را گرفتار نمایند. این پگرام از آن جهت فسخ شد که در پاکستان تغییراتی توسط نظامیان بوجود آمد. در این دوران بین ییل کلنتون و سران امنیت

در موجودیت اسامه بن لادن در محل فراهم می‌گردید.

در افغانستان مسئله این بود که خرید افراد وفادار آسان بود، کسی بر وفاداری اجنت‌ها نمی‌توانست اعتماد کند. به این قسم نه کلنتون و نه بوش (سی. آی. ای) را اختیار داده بود که اجنت‌های افغانی بر قتل اسامه بن لادن تلاش نمایند، تا این وقت قانون رئیس جمهور سابق آمریکا جیرالدفور نافذ بود که (سی. آی. ای) کسی را به قتل رسانده نمی‌تواند.

در این دوران اجنت‌های افغانی (سی. آی. ای) برای معاشات خود در اسلام آباد رفته بودند و از دفتر مرکزی آنجا معاش و تنخواه ماهوار خود را بدست آورده می‌توانستند. رهبر اجنت‌های افغانی گفت که در دو موقع آنها بر قافله‌ی اسامه بن لادن آتش گشوده‌اند که برای حفاظت و دفاع از خود بوده و بر آن اجازه داشتند. او همچنان اضافه کرد که آنها به قافله‌ی اسامه بن لادن حمله کردند تا هر یک از آنها را به قل برسانند، با وجودی که تمام همراهان اسامه بطور کامل مسلح بودند. (سی. آی. ای) از مرکز اسلام آباد هدایت داده بود که هیچگاه بر قافله‌ی اسامه بن لادن، حمله نکنند.

توزیع آزاده دالر توسط (سی. آی. ای) در افغانستان برای حصول معلومات و کامیابی ماموریت آینده ضروری بود. بلایان هم جورج تنیت از کلنتن هیچگاه درخواست اجازه‌ی قتل اسامه بن لادن را توسط اجنت‌های افغانی نکرد تا این وقت آمریکائیه‌ها میل داشتند که اسامه را زنده گرفتار کرده و در یکی از محاکمات آمریکا رسماً محاکمه نمایند. برای این مقصد طرح یک عملیات وسیع مخفیانه در میز نقشه کشی (سی. آی. ای) موجود بود.

در باره‌ی این طرح رأی مأمورین (سی. آی. ای) این بود که این طرح قابل

اجرا نیست، زیرا در این عملیات تلفات افراد بسیار متحمل بوده و ضمانت گرفتاری اسامه بن لادن وجود ندارد، بناً این عمل هیچگاه عملی نشد.

حکام عربستان سعودی این نقشه را مطرح و پیشنهاد کرده بودند که وسایل را در سامان پدر و مار اسامه بن لادن پنهان نمایند که از عربستان سعودی در افغانستان به دیدار فرزندش می‌رفت. این نقشه نیز غیر قابل اجرا و خطرناک ارزیابی شده، رد گردید.

دقیق ساعت نه و پنجاه دقیقه جور تنیت در دفتر خود واقع در هفدهمین منزل بود که دو برج مرکز تجارت جهانی توسط طیاره‌ی مسافر بری فروریخت و طیاره‌ی سوم پنتاگون (دفتر مرکزی وزارت دفاع آمریکا) را آسیب رسانید. چهارمین طیاره‌ی ربه‌ی شده در فراز پنسلوانیا پرواز می‌کرد و مسیرش به طرف واشنگتن بود. راپورها خبر میدادند که هدف حمله اوران کاخ سفید، دی کپیتال، و اداره‌ی ملی و مرکز (سی. آی. ای) .. می‌توان که باشد. که قبل از آن رمزی یوسف هم در سال ۱۹۹۳ طرح کرده بود که در ساختمان (سی. آی. ای) مواد آتشزایی را توسط طیاره فروریزد.

تنیت به رفقاییش مشورت داد که اولتر از همه ما باید عمارت را ترک کنیم. یکی از اهداف می‌توانست که مرکز ضد تروریسم (CTC) باشد. رئیس (CTC) یک نفر ۵۲ ساله با تجربه‌ی اجنت مخفی، کافر بلیک بود. او در سال ۱۹۹۴ در گرفتاری تروریست بین‌المللی (کارلوس دیجیکال) نقش مهم انجام داده بود. کافر بلیک در شکل و صورت خود به حدی زیادی به (کارل رف) ماهر سیاست عملی رئیس جمهور بوش مشابه بود. تنیت را (سی. آی. ای) عملاً به نام (بلیک Bleek) که حصه‌ی اول نام او بود خطاب می‌کرد، لیکن کافر او را آقای دایرکتر و یا سر خطاب

می‌کرد.

بلیک گفت سر! ما مرکز ضد تروریسم (CTC) را نمی‌خواهیم خالی کنیم. سبب آن است که ما توسط سیستم محکم این جا با افرا خود در رابطه هستیم.

تنیت گفت: خوب پس مرکز پاسخگوئی جهانی چه (The Global response center)

او در طبقه‌ی ششم بر آن هشت نفر کارمند (سی. آی. ای) اشاره می‌کرد که راجع به تمام دنیا تازه‌ترین راپورهای تخریب کاری و تروریستی را که بر خلاف آمریکا صورت می‌گرفت، بررسی می‌کردند. تنیت گفت: جان آنها در خطر است.

بلیک با لحن سرد گفت: بلی این خطر که هست. لیکن ما آنها را از آنجا دور کرده نمی‌توانیم.

تنیت با لحن تند گفت: دور کردن آنها از آنجا برا حفاظت جان شان ضروری است. بلیک گفت: نه سر، آنها را از آنجا دور کرده نمی‌تونیم، چون که در بحران فعلی آنها نقش کلیدی را انجام می‌دهند.

تنیت گفت: اوکی، و خاموش شد. بلیک در حمله‌ی یازده سپتامبر هیچگونه تعجبی نکرد و از خسارات وارده و اثرات آن را که در ذهنش مجسم کرده بود خوف زده بود.

بلیک در آن وقت با القاعده می‌جنگید که در خرطوم مسئول محلی (سی. آی. ای) بود. القاعده در سال ۱۹۹۴ بر او حمله کرده و کوشش کرد تا او را به قتل برساند. او برای دستگیری اسامه به لادن طرحهایی را پیشنهاد کرد که مسترد گردید، چون در آن امکان تلفات نیروی آمریکایی بیشتر متصور بود.



روم

اصولنامه‌ی



گزیده‌های از

➤ به ادامه‌ی گذشته

۳_ مقررات این ماده مانع از آن نیست که عملی از دیدگاه حقوق بین‌الملل و مستقل از این اساسنامه جرم تلقی شود.

ماده ۲۳

اصل قانونی بودن مجازات

مجازات شخصی کیه توسط دیوان محکوم می‌شود فقط مطابق با مقررات این اساسنامه تعیین خواهد شد.

ماده ۲۴

اصل عطف به ماسبق نشدن [مقررات اساسنامه]

۱_ هیچکس به موجب این اساسنامه نسبت به عملی که قبل از لازم الاجرا شدن آن مرتکب شده است، مسئولیت کیفری نخواهد داشت.

۲_ اگر مقررات قابل اجرا در یک مورد به خصوص قبل از صدور حکم نهایی تغییر یابد، مقرراتی که مساعد تر بحال شخصی است که موضوع تحقیق، تعقیب و یا محکومیت قرار دارد، اجرا خواهد شد.

ماده ۲۵

مسئولیت کیفری فردی

۱_ دیوان مطابق این اساسنامه نسبت به جرائم اشخاص حقیقی صلاحیت خواهد داشت.

بایستی بدون هرگونه تبعیض در زمینه‌های چون جنسیت، سن، نژاد، مذهب یا اعتقادات، عقیده سیاسی یا غیر سیاسی، خاستگاه قومی یا اجتماعی، ثروت، ولادت و وضعیت‌های دیگر، باشد.

فصل سوم

اصول عمومی مقوق

کیفری

ماده ۲۲

اصل قانونی بودن جرم

۱_ هیچکس به موجب این اساسنامه مسئولیت کیفری نخواهد داشت مگر اینکه عمل وی در زمان وقوع، منطبق با یکی از جرائمی باشد که در صلاحیت دیوان [جزائی بین‌المللی] است.

۲_ تعریف جرم بر اساس اصل تفسیر مضیق به عمل می‌آید و توسل به قیاس برای تعریف آن ممنوع است. در صورت ابهام، تعریف به نفع شخصی تفسیر می‌شود که موضوع تحقیق، تعقیب و یا محکومیت واقع شده است.

ماده ۲۱

حقوق قابل اجرا

۱_ دیوان اجرا خواهد کرد:

الف: در وهله نخست این اساسنامه و آیین نامه دادرسی و ادله مربوط به آن را؛
ب: در مرحله دوم، بر حسب اقتضا، معاهدات قابل اجرا و اصول و قواعد حقوق بین‌الملل از جمله اصول مسلم حقوق بین‌الملل منازعات مسلحانه؛

ج: در غیر این صورت، اصول عمومی حقوق که توسط دیوان از قوانین ملی نظامها حقوقی جهان استخراج شده باشد، از جمله، در صورت اقتضا، قوانین ملی دولتهایی که قاعداً بر آن جنایت اعمال صلاحیت می‌کنند، مشروط بر آن که آن اصول مغایر با این اساسنامه و حقوق بین‌الملل و قواعد و ملاکهای شناخته شده بین‌المللی نباشد.

۲_ دیوان می‌تواند اصول و قواعد حقوقی را چنانچه در تصمیمات قبلی اش تفسیر کرده است بکار بندد.

۳_ تیزشکیق و تفسیر حقوقی که در این ماده پیش بینی شده است، نایستی متناقض با حقوق بشر شناخته شده بین‌المللی بوده و

به تنهایی علتی برای تخفیف مجازات نخواهد بود.

۲_ مصونیت ها یا قواعد شکلی ویژه این که به موجب حقوق داخلی یا حقوق بین الملل در مورد مقامات رسمی اجرا می شوند، موجب نمی گردند که دیوان نتواند صلاحیتش را نسبت به آن اشخاص اعمال نماید.

ماده ۲۸

مسئولیت فرماندهان نظامی و سایر مقامات مافوق

علاوه بر دیگر موارد مسئولیت کیفری مذکور در این اساسنامه در مورد جرائمی که به صلاحیت دیوان مربوط می شود:

۱_ یک فرمانده نظامی یا شخصی که عملاً وظایف فرمانده نظامی را انجام میدهد نسبت به جرائمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دیوان است و حسب مورد توسط نیروهایی که تحت فرماندهی و کنترل واقعی او یا تحت اقتدار و کنترل واقعی هستند، انجام گرفته، مسئول است در صورتی که وی کنترلفی را که می بایست در مورد نیروهای تحت امر خود اعمال نماید، اعمال نکرده باشد و این در مواردی است که:

الف: فرمانده نظامی یا شخص مذکور با توجه به اوضاع و احوال قضیه میدانسته یا باید می دانسته است که نیروهای تحت امر او جرم مذکور را مرتکب شده و یا قریباً مرتکب خواهند شد، و

ب: فرمانده نظامی یا شخص مذکور همه اقدامات لازم و معقولی را که در توانش بوده برای جلوگیری از جرم یا منع از انجام آن یا برای طرح مساله نزد مقامات صلاحیتدار به منظور انجام تحقیق و تعقیب انجام نداده است.

۲_ در مورد روابط بین مقامات مافوق و افراد زیر دست که در بند ۱ نیامده است، مقام مافوق مسئولیت کیفری جرائمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دیوان است و

اتمام تحقق آن شده است، به موجب این اساسنامه بخاطر تلاش برای ارتکاب جرم مجازات نخواهد شد مشروط بر اینکه کاملاً و آگاهانه از هدف مجرمانه خود منصرف شده باشد.

۴_ هیچکدام از مقررات مربوط به مسئولیت کیفری افراد که در این اساسنامه آمده است تاثیری بر مسئولیت دولتها مطابق حقوق بین الملل نخواهد داشت.

ماده ۲۶

عدم صلاحیت دیوان نسبت به اشخاص کمتر از ۱۸ سال

دیوان نسبت به [جرائم] اشخاصی که در زمان ارتکاب جرم کمتر از ۱۸ سال داشته اند صلاحیت نخواهد داشت.

ماده ۲۷

عدم تاثیر سمت رسمی افراد [در صلاحیت دیوان]

۱_ این اساسنامه نسبت به همه افراد بدون در نظر گرفتن سمت رسمی آنان و بدون هیچگونه تبعیضی اجرا خواهد شد. بطور مشخص سمت رسمی رئیس دولت، یک عضو دولت، یا مجلس، نماینده انتخابی یا نماینده یک دولت به هیچوجه یک شخص را از مسئولیت کیفری که به موجب این اساسنامه بر عهده دارد معاف نخواهد کرد، همچنان که وجود سمت های مذکور

هیچکس به موجب این

اساسنامه مسئولیت کیفری

نخواهد داشت مگر اینکه عمل

وی در زمان وقوع، منطبق با

یکی از جرائمی باشد که در

صلاحیت دیوان [جزائی

بین المللی] است.

۲_ هرکس مرتکی یکی از جرائمی که در صلاحیت دیوان است بشود، بطور فردی مسئول است و مطابق این اساسنامه مجازات خواهد شد.

۳_ مطابق این اساسنامه یک شخص مسئولیت کیفری دارد و رد ارتباط با جرمی که در صلاحیت دیوان است مجازات خواهد شد هرگاه وی:

الف: جرم مذکور را مرتکب شده است، خواه به تنهایی یا همراه با شخص دیگر و یا توسط شخص دیگر اعم از اینکه شخص اخیر از نظر کیفری مسئول باشد یا نباشد.

ب: ارتکاب جرم مذکور را دستور داده، خواسته یا تشویق کرده است مشروط بر اینکه جرم واقع شده باشد یا تلاش برای ارتکاب آن وجود داشته است.

ج: به منظور تسهیل ارتکاب جرم، کمک، همکاری یا هر نوع مساعدتی بر ارتکاب جرم یا تلاش بر ارتکاب جرم نموده است، تهیه ابزار ارتکاب جرم نیز به منزله مساعدت بر ارتکاب جرم خواهد بود.

د: از طریق گروهی از اشخاص و با هدف مشترک به هر شکل دیگری در ارتکاب یا تلاش برای ارتکاب جرم مشارکت نموده است این مشارکت باید عمدی باشد و مسبب مورد:

۱_ به منظور تسهیل عمل مجرمانه یا هدف مجرمانه گروه انجام شده باشد و عمل یا هدف مذکور متضمن ارتکاب جرمی باشد که در صلاحیت دیوان است یا:

۲_ با علم و آگاهی از قصد گروهی که جرم را مرتکب شده اند انجام شده باشد.

ه: در مورد جرم نسل کشی، مستقیماً و آشکارا دیگری را بر ارتکاب آن تشویق کرده است.

و: برای ارتکاب اعمالی که پزشکیاناً شروع به جرم محسوب می شوند تلاش کرده است، در حالی که جرم به دلیل شرایطی خارج از اراده وی انجام نشود. معذک کسی که به اختیار خود تلاش برای ارتکاب جرم را رها کرده یا بهر حال مانع از

توسط افراد زیر دست او که تحت کنترل واقعی او هستند ارتکاب یافته را به عهده دارد؛ در صورتی که وی کنترل لازم نسبت به زیر دستان مذکور را اعمال نکرده است. و این در صورتی است که:

الف: مقام مافوق می دانسته که افراد تحت امر او مرتکب جرم خواهند شد و یا آگاهانه از اطلاعاتی که به وضوح نشان میداده که افراد تحت امر او مرتکب جرم می‌شوند و یا قریباً مرتکب خواهند شد غمض عین کرده است.

ب: جرائم مذکور، مربوط به فعالیتهایی بوده است که در حوزه مسئولیت و کنترل واقعی مقام مافوق قرار داشته است.

ج: مقام مافوق همه اقدامات لازم و معقولی را که در توان داشته است، برای

اینکه عنصر مادی جرم همراه با قصد و علم نیز باشد.

۲_ مطابق این ماده وجود قصد مفروض است موقعی که شخص:

الف: نسبت به اصل عمل قصد ارتکاب آن را داشته باشد؛

ب: نسبت به نتیجه عمل، قصد ایجاد نتیجه را داشته باشد یا آگاه باشد که این نتیجه در مسیر پزشکی حوادث پیش خواهد آمد.

۳_ مطابق این ماده وجود علم مفروض است موقعی که شخص آگاه باشد که شرایط ارتکاب جرم وجود دارد و یا نتیجه در مسیر پزشکی حوادث اتفاق خواهد افتاد. الفاظ آگاهی و علم مطابق این تعریف تفسیر خواهند شد.

اوضاع و احوال نشان بدهد که وی میدانسته و یا نسبت به این خطر بی توجه بوده که به دلیل مست بودن در معرض ارتکاب یکی از جرائم مربوط به صلاحیت دیوان قرار خواهد گرفت.

ج: شخص، به طور معقول از خود یا شخص دیگر یا در مورد جرائم جنگی از اموالی که برای حیات یا حیات دیگری و یا انجام یک مأموریت نظامی ضروری بوده است. دفاع کرده است. این دفاع باید در مقابل توسل قریب الوقوع و غیر قانونی به زور و انجام شده و متناسب با میزان خطری باشد که آن شخص یا شخص دیگر یا اموال حمایت شده را تهدید می کرده است. این که شخص در یک عملیات دفاعی که توسط نیروهای مسلح هدایت می شده شرکت کرده است به تانهای موجهی برای عدم مسئولیت کیفری مطابق این بند نخواهد بود.

د: عملی که ارتکاب آن یکی از جرائم مربوط به صلاحیت دیوان است تحت اجبار ناشی از یک تهدید قریب الوقوع به مرگ یا آسیب مهم، مستمر یا در حال وقوع بر تمامیت جسمانی این شخص یا شخص دیگر انجام شده و شخص مذکور به دلیل ضرورت و به شکل معقول برای رفع این تهدید عمل کرده است. مگر اینکه قصد داشته باشد که خسارتی مهم تر از آنچه که او می خواسته از آن اجتناب کند وارد نماید. این تهدید ممکن است:

۱_ توسط اشخاص دیگری انجام شود
 ۲_ یا تحت شرایط دیگری که مستقل از اراده آن شخص است بوجود آمده باشد.
 ۲_ دادگاه در مورد این که آیا علل معافیت از مسئولیت کیفری که در این اساسنامه آمده است. در مساله ای که نزد او مطرح است قابل اجرا هست یا نه اظهار نظر خواهد کرد.

۳_ در موقع محاکمه دادگاه می‌تواند به جز موارد مذکور در بند ۱ موجب دیگری از

هرکس مرتکب یکی از جرائمی که در صلاحیت دیوان است بشود، بطور فردی مسئول است و مطابق این اساسنامه مجازات خواهد شد.

جلوگیری یا منع از ارتکاب جرم یا برای طرح مساله نزد مقامات صلاحیتدار به منظور تحقیق و تعقیب به عمل نیآورده است.

ماده ۳۱

موجبات معافیت از مسئولیت کیفری

۱_ علاوه بر سایر موارد معافیت از مسئولیت کیفری که در این اساسنامه پیش بینی شده است (۱) یک شخص از نظر کیفری مسئول نیست چنانچه در حین ارتکاب عمل:

الف: مبتلا به نوعی بیماری یا اختلال روانی بوده که او را از درک ماهیت فعل ارتكابی و یا خصوصیت کیفری آن یا از کنترل عملش برای تیزشکیق آن با قانون عاجز کرده است.

ب: در حالت مستی برده که او را از اختیار درک خصوصیت کیفری عمل یا ماهیت آن یا کنترل عمل برای تیزشکیق آن با قانون عاجز کرده است مگر این که وی عمداً مست شده باشد به نحوی که

ماده ۲۹

نفی مرور زمان

جرائمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دیوان است، مشمول مرور زمان نخواهند شد.

ماده ۳۰

عنصر معنوی [جرم]

۱_ جز در مواردی که به نحو دیگری مقرر شده باشد، هیچکس دارای مسئولیت کیفری نیست و نمی‌تواند به دلیل ارتکاب یکی از جرائمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دیوان است مجازات شود مگر

قضاتی که موظف به انجام وظیفه به طور تمام وقت نیستند، مطابق ماده ۴۹ تنظیم خواهند شد.

ماده ۳۶

شرایط نامزدی و انتخاب قضات

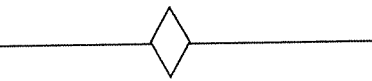
۱- ضمن رعایت مقررات بند ۲، دیوان متشکل از ۱۸ قاضی خواهد بود.

۲- الف: هیات رئیسه، به نام دیوان، می‌تواند پیشنهاد نماید که تعداد قضات مذکور در بند ۱ افزایش یابد، دلایل لازم و مناسب بودن این افزایش می‌بایست در پیشنهاد ذکر شود. رئیس دبیر خانه به فوریت این پیشنهاد را به کشورهای عضو اطلاع خواهد داد.

ب: پیشنهاد[هیات رئیسه] توسط مجمع دولتهای عضو که مطابق ماده ۱۱۲ تشکیل می‌شود بررسی خواهد شد. هر گاه در این نشست تعداد دو سوم دولتهای عضو پیشنهاد مذکور را تایید نمایند به منزله پذیرفته شدن آن خواهد بود مجمع دولتهای عضو تاریخ به اجرا در آمدن پیشنهاد فوق الذکر را تعیین خواهد کرد.

ج: ۱- هنگامی که پیشنهاد مربوط به افزایش قضات مطابق بند ب مورد پذیرش واقع گردید انتخاب قضات اضافی مطابق با بندهای ۳ تا ۸ این ماده و بند ۲ ماده ۳۷ انجام خواهد شد:

۲- موقعی که پیشنهاد مربوط به افزایش قضات مطابق مقررات بندهای ب و ج) مورد پذیرش واقع گردیده و قابل عمل شده است هیات رئیسه می‌تواند با توجه به کار دیوان پیشنهاد کاهش تعداد قضات را بنماید مشروط بر اینکه شمار قضات از تعداد مقرر در بند ۱ کمتر نشود. این پیشنهاد مطابق روال مقرر در بندهای الف و ب بررسی خواهد شد. هرگاه این پیشنهاد مورد پذیرش واقع شود تعداد قضات به تدریج و با توجه به انقضای دوره ماموریت آنها کاهش خواهد یافت تا زمانی که به نصاب مورد نظر برسد.



فصل چهارم

تشکیلات و اداره دیوان

ماده ۳۴

ارکان دیوان

دیوان از ارکان ذیل تشکیل می‌گردد:

الف: هیات رئیسه؛

ب: بخش تجدید نظر، بخش بدوی و بخش مقدماتی؛

ج: دادسرا؛

د: دبیر خانه

جرائمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دیوان است، مشمول مرور زمان نخواهند شد.

ماده ۳۵

[نحوه] اعمال و وظایف قضاوت

۱- همه قضات به عنوان اعضای تمام وقت دیوان انتخاب خواهد شد و به محض شروع ماموریتشان برای اجرای وظایف خود بطور تمام وقت آماده خواهند بود.

۲- قضات هیات رئیسه، به محض انتخاب، وظایفشان را بطور تمام وقت انجام خواهند داد.

۳- هیات رئیسه می‌تواند حسب میزان کار دیوان و با مشورت با سایر قضات هر چند گاه یکبار تصمیم بگیرد که در چه شرایطی قضات دیوان می‌بایست وظایفشان را به طور تمام وقت انجام بدهند. تصمیماتی که در این رابطه اتخاذ می‌گردند ضروری به مقررات ماده ۴۰ نخواهند داشت.

۴- موافقت نامه های مالی مربوط به

موجبات معافیت از جرم را اعمال نماید مشروط به این که این موجب از حقوق قابل اجرا که در ماده ۲۱ بدان اشاره شده ناشی شده باشد. آیین رسیدگی به این موجب در آیین نامه دادرسی و ادله پیش بینی خواهد شد.

ماده ۳۲

اشتباه در موضوع یا اشتباه در حکم

۱- اشتباه در موضوع موجب معافیت از مسئولیت کیفری نیست مگر این که عنصر معنوی جرم را از بین برده باشد.

۲- اشتباه در حکم به این معنا که آیا یک نوع عمل به خصوص، جرم مربوط به صلاحیت دیوان است موجب عدم مسئولیت کیفری نیست، با وجود این، اشتباه در حکم می‌تواند به عنوان موجب عدم مسئولیت کیفری تلقی شود مشروط بر اینکه سبب از بین رفتن عنصر معنوی جرم شده یا مشمول مقرراتی باشد که در ماده ۳۳ آمده است.

ماده ۳۳

دستور مقامات مافوق و تجویز قانونی

۱- این مساله که ارتکاب یکی از جرائم مذکور در صلاحیت دیوان در اجرای دستور یک دولت یا یک مقام مافوق، نظامی یا غیر نظامی انجام گرفته، شخص را از مسئولیت کیفری معاف نمی‌کند مگر این که:

الف: شخص الزام قانونی بر اطاعت از دستورات دولت یا مقام مافوق مورد بحث داشته است؛

ب: شخص نمی‌دانسته که دستور صادره غیر قانونی بوده است؛

ج: دستور صادره آکارا غیر قانونی نبوده است؛

۲- مطابق این ماده، دستور ارتکاب نسل کشی یا دستور ارتکاب جرائم علیه بشریت، جرائمی که آشکارا غیر قانونی هستند، تلقی خواهند شد.

۳_ الف: قضات از میان افرادی که دارای سجایای عالی اخلاقی بوده و به بی طرفی و کمال شناخته شده و حائز شرایط لازم برای تصدی عالی ترین مقامات قضایی در کشور خود باشند انتخاب خواهند شد.

ب: هر کدام از داوطلبان شرکت در انتخابات دیوان می بایست:

۱_ دارای صلاحیت شناخته شده در زمینه های حقوق و دادرسی کیفری بوده و تجربه لازم در رسیدگی به امور کیفری داشته باشند خواه به عنوان قاضی یا دادستان یا وکیل یا هر سمت مشابه دیگر در رسیدگی به امور کیفری، یا

۲_ دارای صلاحیت شناخته شده در زمینه های مربوط به حقوق بین الملل مثل حقوق بین الملل انسانی و حقوق بشر بوده و همچنین تجربه چشمگیری در یک سمت قضائی که متضمن منافی برای کار قضایی دیوان باشد، داشته باشد.

ج: برای اجراز هر سمتی در دیوان شناخت عالی و تسلط عملی بر حداقل یکی از زبانهای کاری دیوان لازم است.

۴_ الف: داوطلبان احراز سمت در دیوان می توانند به یکی از طرق ذیل توسط هر یک از دولت های عضو این اساسنامه معرفی شوند:

۱_ مطابق با مقررات مربوط به معرفی داوطلبان تصدی عالیترین مقامات قضایی در دولت مربوطه، یا

۲_ مطابق مقررات مربوط به معرفی داوطلبان تصدی قضایی در دیوان بین المللی دادگستری به شرح مذکور در اساسنامه آن دیوان داوطلبان می بایست مدرکی را ارائه نمایند که به طور مشخص نشان بدهد که واجد خصوصیات مذکور در بند ۳ هستند؛

ب: هر کدام از دولتهای عضو می توانند یک شخص را به عنوان داوطلب در یک انتخاب معین معرفی نماید. شخص مذکور لازم نیست که تابعیت آن دولت را داشته باشد اما لازم است از اتباع یکی از دولتهای

عضو اساسنامه باشد.

ج: مجمع دولتهای عضو می تواند تصمیم بگیرد که بهر شکل مناسب یک کمیسیون مشورتی به منظور بررسی صلاحیت داوطلبان تشکیل بدهد ترکیب و ماموریت این کمیسیون را مجمع دولتها عضو تعیین خواهد کرد.

۵_ به منظور انجام انتخابات دو فهرست از داوطلبان تهیه خواهد شد:

فهرست (الف) شامل اسامی داوطلبانی است که واجد صلاحیتهای مذکور در بند ۳ ق سمت (ب) بخش ۱ می باشد.

فهرست (ب) کا شامل اسامی داوطلبانی است که واجد صلاحیتهای مذکور در بند ۳ ق سمت (ب) بخش ۲ می باشد.

هر گاه داوطلبی واجد صلاحیتهای مذکور در هر دو فهرست باشد می تواند هر کدام را بخواهد انتخاب نماید. در اولین انتخابات حد اقل ۹ قاضی از میان داوطلبان فهرست (الف) و حد اقل ۵ قاضی از میان داوطلبان فهرست (ب) انتخاب خواهند شد. در انتخابات بعدی تناسبات مشابهی بین قضات انتخاب شده از میان داوطلبان دو فهرست رعایت خواهد شد.

۶_ الف: قضات با رأی مخفی در اجلاس مجمع دولتهای عضو که به همین منظور و مطابق با ماده ۱۱۲ تشکیل می شود. انتخاب خواهند شد. با حفظ مقررات بند ۷، هجده نفر از داوطلبان که بیشترین رأی را حائز شده اند، با اکثریت

آراء دولتهای حاضر انتخاب خواهند شد.

ب: پس از اولین دور رأی گیری، هرگاه کرسی خالی بماند، رأی گیری بهدی مطابق با روال پیش بینی شده در بند الف به عمل خواهد آمد تا زمانی که کرسی های خالی تکمیل بشوند.

۷_ بیش از یک نفر از اتباع یک دولت نمی توند عضو دیوان [دادگاه] باشد. در این رابطه، شخصی که ممکن است تابعیت بیش از یک دولت را داشته باشد، تبعه ی دولتی محسوب خواهد شد که عادتاً از حقوق مدنی و سیاسی آن دولت بهره می جوید.

۸_ الف: برای انتخاب قضات، دولتهای عضو به این ضرورت توجه خواهند داشت که اطمینان یابند که در ترکیب دیوان موارد ذیل رعایت گردد:

۱_ نمایندگی نظامها اصلی حقوقی در جهان

۲_ توزیع جغرافیایی عادلانه

۳_ نسبت عادلانه بین قضات زن و مرد
ب: دولتها عضو همچنین اطمینان خواهند یافت که به ضرورت حضور قضات متخصص در پاره ای از مسائل، مربوط به تجاوزات [جنسی] علیه زنان و کودکان، توجه نموده اند.

۹_ الف: ضمن حفظ مقررات بند ب، قضات برای یک دوره ۹ ساله انتخاب خواهند شد و بالحاظ مقررات بند ج [این ماده] و بند ۲

این اساسنامه نسبت به همه افراد بدون

در نظر گرفتن سمت رسمی آنان و بدون هیچگونه تبعیض

اجرا خواهد شد. بطور مشخص سمت رسمی رئیس دولت یک

عضو دولت یا مجلس، نمایندگانی یا نماینده یک دولت به

هیچوجه یک شخص را از مسئولیت کیفری که به موجب این

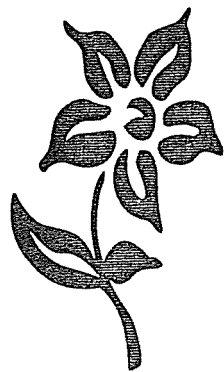
اساسنامه بر عهده دارد معاف نخواهد کرد.

۲_ وظایف شعبه بدوی توسط ۳ قاضی از بخش مقدماتی یا یک قاضی از همین بخش مطابق آیین نامه دادرسی و ادله انجام خواهد شد.

ج_ هیچکدام از مقررات این بند، تشکیل همزمان بیش از یک شعبه بدوی یا شعبه مقدماتی، حسب ضرورت کاری دیوان، را منع نمی‌کند.

۳_ الف: قضات بخش مقدماتی و بخش بدوی مدت ۳ سال در سمت خود باقی خواهند مان و چنانچه پس از انقضای این مدت پرونده‌هایی نزد آنها مطرح باشد که منجر به اخذ تصمیمی نشده است تا اتخاذ تصمیم در سمت خود باقی خواهند ماند.

ب: قضات تجدید نظر انحصاراً در بخش تجدید نظر انجام وظیفه خواهند کرد. اما هیچکدام از مقررات این ماده مانع از آن نیست که قضات بخش بدوی بطور موقت در بخش مقدماتی و یا قضات بخش مقدماتی در بخش بدوی انجام وظیفه نمایند. این جابجایی معذک در صورتی است که اولاً با کاری دیوان، بنا به تشخیص هیات رئیسه چنین اقتضاء نماید و ثانیاً با توجه به این نکته خواهد بود که قاضی که در مرحله مقدماتی پرونده‌ای شرکت کرده است، به هیچوجه مجاز به تصدی در شعبه بدوی که رسیدگی به پرونده مزبور را در دست دارد نیست.



۲_ در صورت عذر رئیس یا عدم صلاحیت وی، معاون اول جانشین وی خواهد بود در صورت عذر یا عدم صلاحیت رئیس و معاون اول معاون دوم جانشین رئیس خواهد شد.

۳_ هیات رئیسه متشکل از رئیس، معاون اول و معاون دوم است و انجام امور ذیل را به عهده دارد:

الف: اداره صحیح دیوان بااستثنای دادسرا ب: امور دیگری که مطابق این اساسنامه به عهده وی گذاشته شده است.

۴_ در اجرای مسئولیتهای مذکور در ق سمت الف بند ۳ هیات رئیسه با دادستان هماهنگی خواهد کرد و سعی در جلب موافقت وی در ارتباط با کلیه مسائلی که متضمن نفع مشترک است به عمل خواهد آورد.

ماده ۳۹

شعبه‌ها

۱_ در اولین فرصت پس از انتخاب قضات، دیوان به بخشهای مقرر در بند(ب) ماده ۳۴ سازماندهی می‌گردد. بخش تجدید نظر از یک رئیس و چهار قاضی دیگر تشکیل خواهد شد؛ بخش دادگاه بدوی و بخش مقدماتی هر کدام از حد اقل ۶ قاضی تشکیل خواهند شد. اختصاص قضات به این بخشها بر اساس پزشکیست و وظایف مربوط به هر بخش و صلاحیت‌ها و تجربه‌ی قضات انتخابی انجام می‌گردد به نحوی که هر کدام از بخشها به شکل مقتضی دارای اعضای باشند که صلاحیت‌های تخصصی در حقوق و دادرسی کیفری و حقوق بین‌الملل داشته باشند. بخش مقدماتی و بخش دادگاه بدوی اساساً مرکب از قضاتی خواهند بود که دارای تجربه در دادرسی کیفری باشند.

۲_ الف: وظایف قضایی دیوان در هر بخش توسط شعبه‌ها انجام خواهد شد.

ب: ۱_ شعبه تجدیدی نظر مرکب از همه قضات بخش تجدید نظر است.

ماده ۳۷

قابل انتخاب مجدد نیستند.

ب: در این انتخابات، یک سوم از قضات به قید قرعه انتخاب و برای مدت ۳ سال برگزیده می‌شوند. یک سوم دیگر نیز به قید قرعه انتخاب و برای مدت ۶ سال برگزیده می‌شوند. سایر قضات برای یک دوره ۹ ساله منصوب خواهند شد.

ج: قضاتی که رد اجرای بند(ب) برای یک دوره سه ساله انتخاب گردیده اند قابل انتخاب برای یک دوره کامل خواهند بود.

۱۰_ علیرغم مقررات بند ۹، شخصی که مطابق با ماده ۳۹ به عنوان قاضی شعبه بدوی یا شعبه تجدید نظر انتخاب شده است و رسیدگی به پرونده‌ای را در شعبه‌ی مربوط شروع کرده تا زمانی که کار پرونده به اتمام برسد، در سمت خود باقی خواهد ماند.

ماده ۳۷_ سمتهای خالی

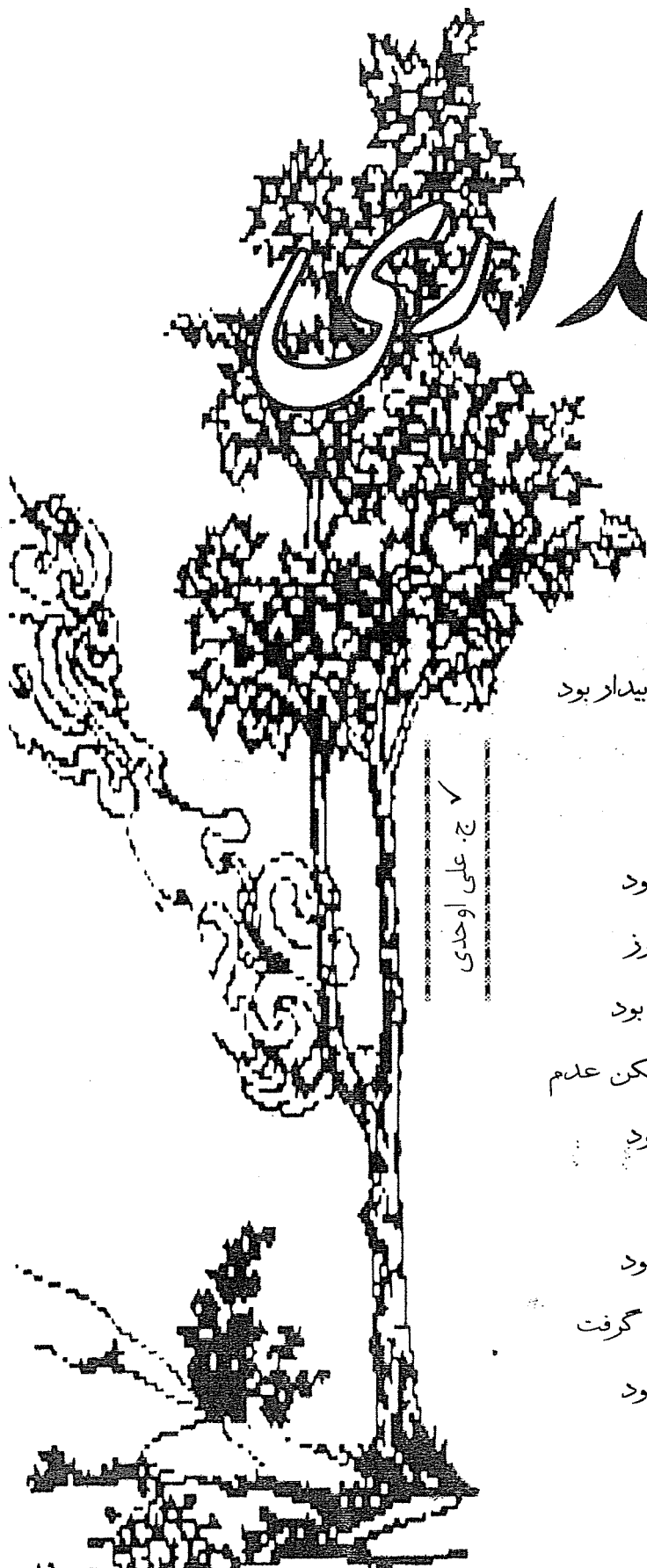
۱_ برای تصدی سمت‌هایی که خالی می‌شوند مطابق مقررات ماه ۳۶ عمل خواهد شد.

۲_ قاضی که برای تصدی سمتی که خالی شده است انتخاب می‌شود در صورتی که دوره باقی مانده قاضی قبلی، کمتر یا برابر ۳ سال باشد تا پایان این دوره انجام وظیفه خواهد کرد. انتخاب مجدد وی برای یک دوره کامل مطابق مقررات ماده ۳۶ بلا مانع خواهد بود.

ماده ۳۸

هیات رئیسه

۱_ رئیس، معاون اول و معاون دوم با اکثریت مطلق آراء قضات انتخاب خواهند شد. آنان [رئیس، معاون اول و معاون دوم] برای مدت سه سال یا در صورتی که دوره ماموریت آنان قبل از سه سال تمام بشود تا پایان ایندوره انجام وظیفه خواهند کرد. انتخاب مجدد آنان برای یک بار بلامانع است.



ج. علی اوحدی

ای خوش آنروزی که بخت من بسی بیدار بود
جلوه پروانه دور شمع من بسیار بود
آرزوهای بلند بر سر مرا بود همنا
شور و احساس جوانی هم مرا دستار بود
محفلم بود گرم در بازار عشق و آرزو
بر سرم سودای گل از گلشن دلدار بود
گفت و گوها داشتیم از واجب و ممکن عدم
بحث های فلسفی ام جمله بر اسرار بود
از تخیل تپه های حرف را می ساختیم
حرف بی مصداق ما هم زونق بازار بود
چرخ چرخید و شرایط زنگ بیداری گرفت
ورنه دایم این «جلال» در قصه قیام بود

financial, technical and administrative support to carry out its task successfully and timely. APAMR is prepared to coordinate activities of the commission, provide necessary administrative support and request international donors to commit sufficient fundings.

However, the implementation, which is the first such initiative in the Islamic world and in the history of the country, is quite challenging task and all sorts of contributions and assistances by the international community and organizations will be crucial to its success.

Translating Important ICC and Implementation Related Documents

It is very crucial to provide necessary ICC documents and other implementation related materials into national languages of the country.

The following documents need to be translated in earnest:

- Elements of ICC Crimes
- Rules of Procedure and Evidence and Implementation Considerations, published by the International Centre for Criminal Law Reform and Criminal Justice Policy (ICCLR)
- Manual for Ratification and Implementation of the Rome Statute published by the ICCLR
- Check-lists on implementation published by the Amnesty International and the Human Rights Watch
- Two adopted implementation legislations into Dari as suggested by the international experts

▪ **Organizing Subject-oriented**

Workshops and Seminars

All previous ICC workshops and seminars have signified the fact that there are great interests in learning about the ICC and exploring its relevance to the country and its compatibility with the Islamic *sharia* and other laws of the country. There are great demands for discussing issues such as Islamic Criminal Law and the ICC, Member States and the ICC, Women and the ICC, Children and the ICC and Transitional Justice and the ICC. Conducting the issue-based seminars will significantly contribute to the works and success of the Afghanistan ICC Commission in regards to the specific areas.

Continued Publication and Awareness Raising Programmes

Participants of the the Roundtable and National Conference placed strong emphasis on continued public education and production and translation of more documents into national languages. The Victims and Justice Bimonthly have been warmly received by the ICC supporters, Afghanistan lawyers and academic communities and human rights groups. Its continued publication will attract and maintain the necessary momentum and support for the ultimate success of the implementation project. By reflecting the proceedings and debates of the subject-oriented seminars it will encourage critical debates about important aspects of the current judicial reforms process in the country.





Establishment of the coalition is a significant step towards expansion and furtherance of the ICC activities in the national level. The ACICC member organizations are particularly expected to support and contribute to the success of the implementation work in future. This will also significantly enhance and encourage cooperation and collaborations among the organizations in human rights and other related fields.

Crimes Investigation

During the transitional period, the people of Afghanistan, remained to be victims of human rights abuses at the hand of armed factions and unruly warlords who continue to act with full impunity in many parts of the country.

APAMR conducted field researches and investigations about a few of the most serious cases of human rights abuses during the factional conflicts in the past two years and is currently in the process of analyzing and translating the documents and informations gathered. Findings of the investigations will be shared with relevant national and international organizations in future.

Future Plans:

The APAMR's ICC Programme has reached its very critical juncture. By appointing members of the Afghanistan ICC Commission, the Government of Afghanistan, has once again demonstrated its commitment towards its obligations under the ICC and the country's civil society and human rights community has continued to

support the ICC and more organizations and independent personalities are expected to join the ACICC. It is very important that the current momentum for furtherance of the ICC is maintained in the country. The APAMR will continue to play its role in facilitating and coordinating the implementation process while it will also continue its public awareness programmes. Meanwhile, more technical, financial and moral supports of the international community and international organizations and particularly the countries that have already successfully completed the implementation process will be crucial to the success of ICC implementation in Afghanistan.

APAMR is planning to take the following initiatives in consultation with the Afghanistan Government, ACICC members and international and regional ICC organizations and experts.

Facilitating and Coordinating Activities of The Afghanistan ICC Commission

The Government of Islamic Republic of Afghanistan has positively responded to the recommendation of the Roundtable and National Conference to form a commission that will review and study the Afghanistan Constitution and other relevant laws with the aim of drafting appropriate legislations or proposing amendments to the laws to bring Afghan legal and judicial system into line with the standards and requirements of the ICC Statute, facilitate fulfillment of Afghanistan's cooperation obligations under the Statute and extend the jurisdiction of the Afghan national courts to prosecute the ICC crimes.

The commission will need adequate

Law & Treaties
Department Ministry of
Foreign Affairs
(member)

Mr. Abdul Qadir
Qayomi, Head of
International Law
Department Ministry of
Justice.(member)

Mr. Abdul Jabaar
Saabit, Legal Advisor
of Ministry of
Interior.(member)

Mr. Muhammad
Alim Nasimi, from
Supreme Court.(member)



Professor Hafizullah Danish, Lecturer of
Faculty of Law & Political Sciences, Kabul
University (Observer)

Mr. Sayed Amanullah Abdali Secretary-
General of the Afghan Professional Alliance
for Minority Rights (Co-ordinator)

Afghanistan Coalition for the International Criminal Court (ACICC)

The following organizations and
personalities have joined the Afghanistan
Coalition for the ICC (ACICC)

Professor Suraya Paikan, Deputy Minister
of Higher Education and Chairperson of
Afghan Women Lawyers and Professionals
Association (AWLPA) Kabul Afghanistan

Tell: 00 93 70 210 122

Email: suraya60@hotmail.com

Mr. Alim Amini, Acting Director, Center
of Cooperation for Afghanistan (CCA)

Kabul Afghanistan Tell: 00 93 70 281 814

Justice Anisah Rasuli, Chairperson,
Afghan Women Judges Association (AWJA)
Kabul Afghanistan

Tell: 00 93 70 210 076 / 79 351 522

Khadijah Bahari, Director, Establishmet
Center for Afghanistan (ECA) Kabul
Afghanistan

Tell: 00 93 79 393 372

E-mail: ercakabul@hotmail.com

Sayed Habibullah Abidi, Development of
Women Abilities (DAWA) Kabul
Afghanistan

Tell: 00 93 79 215 840

Email: mahddiabidi@yahoo.com

Doctor sayed Askar Mossavy, Deputy of
high Educational.

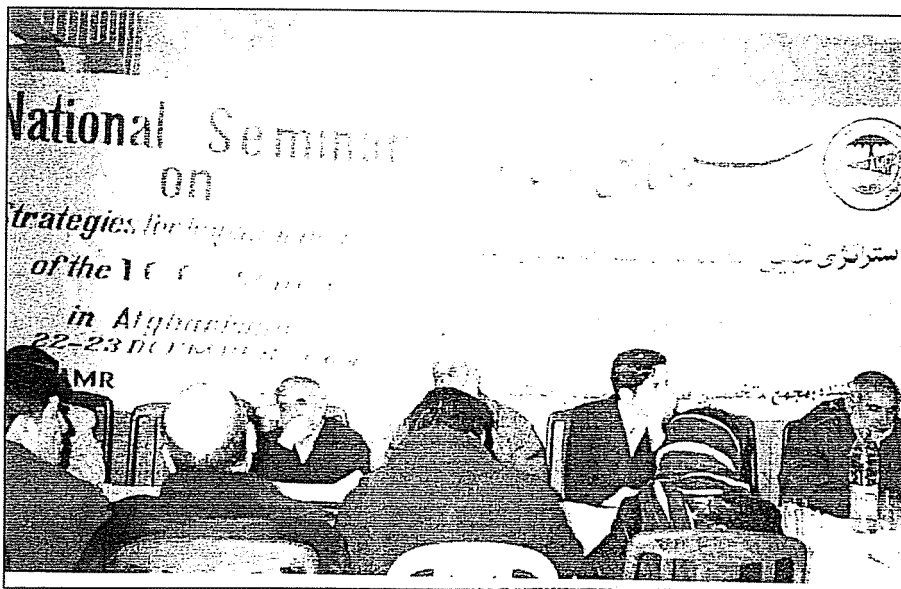
Most members of the ACICC have been
supporting the ICC campaign in the country
in the past four years and have played
important roles in achieving the ratification
of the ICC Statute by the ATA.

ICC were held on 22-23 December 2004 in Kabul. High ranking government officials, ambassadors and senior diplomats, international ICC experts, academia and representatives of human rights and civil society groups including members of the ACICC from all over the country attended the conference. International ICC experts including Dr. Ahmed Ziauddin, the Convener of the Asian Network for the

obligations could be best fulfilled and also how implementation of the ICC may enable Afghanistan to address the past serious crimes in the country.

Mr. Michael Cottier, from the International Law Department of Ministry of Foreign Affairs of Switzerland, who was invited by APAMR to speak in both programmes, talked about Swiss implementation experience and the Swiss Cooperation Law and Ms. Eleen Olexiuk,

Deputy Head of Mission in the Canadian Embassy in Kabul explained the Canadian experience and different aspects of the Canadian War-Crimes and Crimes against Humanity Act.



Afghanistan ICC Commission

Fortunately, the Government of Islamic Republic of Afghanistan

International Criminal Court (ANICC) and Afghan lawyers spoke about the ICC, its structure, procedure, the crimes it deals with, its brief history and its relevance to Afghanistan and obligations of member states under the Rome Statute.

responded positively to the recommendations of the Roundtable and Conference participants. The following persons have been named to work and represent their respective ministries and institutions in the Afghanistan ICC Commission:

Most of the discussions were centered around Afghanistan's obligations as an ICC member-state including cooperation and implementation obligations. Almost all of the participants including many government officials emphasized on the need for implementation of the ICC Statute in Afghanistan legal and judicial order and discussed how Afghanistan's cooperation

Dr. Muheyuddin Shams, Director of Diplomacy Institute Ministry of Foreign Affairs (member)

Mr. Ibrahim Ghafoori, Acting Director of UN & International Conferences Department Ministry of Foreign Affairs (member)

Mr. Wais Baryalay, Acting Director of

magazine.

Advocacy

The advocacy activities of APAMR have revolved around efforts to persuade the Afghanistan government authorities to consider and initiate implementation of the ICC Statute into Afghanistan legal system. ICC friendly officials in relevant ministries and institutions including the President's Office, Ministry of Foreign Affairs, Ministry of Justice, Ministry of Interior, the Supreme Court, the Attorney-General Office and the Judicial Reforms Commission were identified and approached to support and encourage the implementation of the ICC in Afghanistan. APAMR members held individual and group meetings with the officials in which different aspects and possible approaches towards implementation and obligations of the country under the ICC Statute and roles of the civil society were discussed.

In October 2004, Dr. Ahmed Ziauddin, Convener of Asian Network for the International Criminal Court (ANICC) and Special Advisor to APAMR, Dr. Gothom Arya, Secretary General of the Forum Asia and Ms. Niza Concepcion, Program Coordinator of the Forum Asia travelled to Kabul to conduct joint advocacies and make an assessment of interests and issues involved. The mission together with APAMR members met many high level officials of the relevant ministries. Different aspects and issues of the implementation and possible roles of APAMR and other civil society and human rights groups, were discussed during these meetings. One important question that emerged during these meetings was that which ministry had to initiate the process: Ministry of Justice or

Ministry of Foreign Affairs. It became apparent that a more concentrated discussions amongst various ministries and actors were needed to develop a more concrete and workable initiative.

Based on those discussions, on 21 December 2004, APAMR organized a day of Roundtable on implementation of the ICC Statute in Afghanistan legal order in Ministry of Foreign Affairs compound in Kabul. Mr. Zalmai Aziz Political Affairs Deputy Minister of Foreign Affairs chaired the Roundtable and high ranking officials of the Government of Islamic Republic of Afghanistan, including Mr. Qasim Hashimzai, Deputy Minister of Justice, Ms. Suraya Paikan, Deputy Minister of Higher Education and ambassadors and senior diplomats and international ICC experts participated in the event and shared their views and suggestions on ways, models and strategies for implementation of the ICC Statute in Afghanistan. Participants unanimously approved Afghanistan's accession to the ICC and believed that the ICC can play a preventive role against occurrence of serious crimes in future of the country. The Roundtable was followed by the two day National Conference on the ICC. Participants of the Roundtable as well as the Conference recommended a set of initiatives for implementation of the ICC Statute in Afghanistan. The recommendations include formation of an Afghanistan ICC Commission that will undertake the implementation in consultation with international and regional ICC experts and Afghanistan civil society.

National Conference

The two day national conference on the

Finally, on February 10, 2003 the Cabinet of the Transitional Administration of Afghanistan ratified the Rome Statute of the International Criminal Court (ICC) and became a member of the Assembly of State Parties to the ICC. The move was warmly welcomed by the international community as Afghanistan's significant step to establish rule of law and to culminate the culture of impunity long enjoyed by perpetrators of most serious crimes in the country.

On July 1, 2003 the Rome Statute of the ICC came into force extending its jurisdiction over Afghanistan as other member states. Extension of the ICC jurisdiction over Afghanistan gave the assurance to the people of the country that recent tragic history of the country is not going to reverse and that future culprits of the grave crimes would be brought to justice to the ICC if not in Afghan courts.

The ICC ratification and implementation was expected to encourage and strengthen the current judicial reforms process and to bring the Afghan judiciary in line with international standards.

APAMR Project for Introduction and Implementation of the ICC Statute in Afghanistan

In August 2004 APAMR, supported by the International Criminal Court (ICC) Task Force of the Ministry of Foreign Affairs of the Royal Government of Netherlands, launched a new project for introduction and implementation of the ICC Statute in Afghanistan. The project pursued the following objectives:

- To advocate and persuade the

Government of the Islamic Republic of Afghanistan to implement the ICC Statute into the judicial and legal system of the country

- To raise more awareness both within the government and Afghan civil society, human rights groups and media on the ICC

- To develop and maintain further support for implementation of the ICC by building the Afghanistan Coalition for the ICC (ACICC)

Activities and Achievements:

To achieve those objectives the following activities were initiated:

Publication

In October 2004 APAMR published the first issue of the Victims and Justice Bimonthly, a magazine that specifically focus on the ICC, relevant developments in the international level, the issues and progresses of the ICC campaign in Afghanistan and other concerning issues. Selected articles and reports about major ICC related developments in Afghanistan and elsewhere in the world, including important chapters of the ICC Rome Statute, Amnesty International ICC Fact Sheets, Human Rights Watch ICC Fact Sheets and reports and statements of the last year ICC Assembly of States Party Meetings in the Hague were translated into Dari and published in the three editions of the magazine published so far. Proceedings of the ICC Seminars in Afghanistan and important issues and concerns regarding the ICC, its ratification by Afghanistan and implications and cooperation obligations of the country were also reflected in the

APAMR ICC Project APAMR

نعمت الله ابراهيمي

Narrative Report and Future Plans¹

August 2004-March 2005

Introduction: Afghanistan and the International Criminal Court (ICC)

In early 2001 members of the Afghan Professionals Alliance for Minority Rights (APAMR) initiated a campaign for introduction of the Rome Statute of the International Criminal Court (ICC) in Afghanistan and its ratification by the Afghanistan Transitional Administration (ATA).

The aims and objectives of the campaign were as follows:

- To persuade the Afghanistan Transitional Administration (ATA) to ratify the ICC Statute and to build and develop necessary support within and outside the ATA
- To disseminate information on the ICC within the relevant departments of the ATA and Afghan civil society, human rights groups and media
- And to promote justice in Afghanistan and strengthen the country's judicial system by encouraging reforms and bringing it in line with the ICC standards.

The campaign was launched at a time when the need for establishment of a

permanent international criminal mechanism was felt in Afghanistan more than any where else. The tragic history of more than two decades of war and conflicts in the country had clearly illustrated the need for establishment of the an effective, fair and international justice mechanism capable of trying and preventing crimes of international concerns including war crimes, genocide, crimes against humanity and crime of aggression.

The campaign particularly focused on identifying and advocating relevant high level officials of the ATA and important members of the international community in the country. The Afghanistan civil society, human rights groups and many high level government officials responded positively to the call for ratification of the ICC and supported the campaign.

The APAMR also raised the ratification of the ICC Statute by Afghanistan in important civil society and human rights groups meetings particularly in the discussions about the judicial and legal reforms and establishment of the Afghanistan Independent Human Rights Commission (AIHRC).